

## Prostitution of Women in Tehran from the Qajar Era (Naseri Period) to the End of the Pahlavi Era<sup>1</sup>

Fereshteh Tabib<sup>2</sup>, Simin Fasihi<sup>3</sup>

### Abstract

This article focuses on the prostitution of women in Tehran and seeks to answer the following two questions: What was the situation of prostitutes during the period from the Qajar era to the end of the Pahlavi era?; and how did the government deal with them during this time? The study examines the quantitative and qualitative changes in the status of prostitutes and the government's approach to the issue of prostitution during the Qajar and Pahlavi periods using a comparative method. The findings indicate that prostitutes in these two periods shared similar conditions in terms of social background, age, and reasons for engaging in prostitution. However, with the modernization of society during the Pahlavi era, prostitution became primarily an urban, structured, and diverse phenomenon, with a lower quantitative prevalence. Governments' policies toward this phenomenon were multifaceted and contradictory. Despite similarities in the financial and political exploitation of

---

1. This article is obtained from the doctoral dissertation of the student titled "A Comparative Study of Social Harms Affecting Women in Tehran from the Qajar Era (Naseri Period) to the End of the Pahlavi Reign" at Alzahra University.

2. PhD student in the History of Iran after Islam, Alzahra University, Tehran, Iran. [f.tabib1342@yahoo.com](mailto:f.tabib1342@yahoo.com).

3. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). [fasihi@alzahra.ac.ir](mailto:fasihi@alzahra.ac.ir)

Received: September 22, 2024 - Accepted: Feb 9, 2025



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

prostitutes and the imposition of criminal penalties, efforts were made during Reza Shah's reign to control and regulate the issue through the resettlement of prostitutes and the enforcement of health regulations. During Mohammad Reza Shah's era, the approach to prostitution gradually shifted from criminal to more social punishment, with measures taken to support prostitutes and reintegrate them into the society. Despite these efforts, governments were not successful in controlling or preventing this issue. Macro-structural factors and patriarchal attitudes in society played a significant role in the persistence of prostitution.

**Keywords:** Women, social harms, prostitution, Naseri period, Pahlavi era, Tehran.



## روسی‌گری زنان در شهر تهران از عهد قاجار (عهدناصری) تا پایان دوره پهلوی<sup>۱</sup>

فرشته طبیب<sup>۲</sup>، سیمین فصیحی<sup>۳</sup>

### چکیده

مقاله پیش‌رو با تمرکز بر روسی‌گری زنان در شهر تهران درصدد پاسخ به دو سؤال زیر است: ۱- وضعیت زنان روسی در بازه زمانی دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی چگونه بوده است؟ ۲- مواجهه حکومت با آن‌ها در این دوران چگونه بود؟ بررسی تغییرات کمی و کیفی وضعیت زنان روسی و نوع مواجهه حکومت با معضل روسی‌گری در دوره قاجار و پهلوی با استفاده از روش تطبیقی انجام شده است؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روسپیان در این دو دوره با توجه به خاستگاه اجتماعی، سن و علل روسی‌گری وضعیت مشابهی داشته‌اند، اما با توجه به مدرنیزاسیون جامعه در دوره پهلوی روسی‌گری به صورت پدیده‌ای بیشتر شهری، ساختارمند، متنوع‌تر و از نظر کمی با درصد کمتری بروز یافته است. سیاست حکومت‌ها در مواجهه با این پدیده نیز چندگانه و متناقض بوده است؛ علی‌رغم مشابهت در استفاده‌های مالی و سیاسی حکومت‌ها از روسپیان و مجازات‌های کیفری آنان، در دوره

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی دانشجو با عنوان «بررسی تطبیقی آسیب‌های اجتماعی زنان تهران از دوره قاجار (عهد ناصر) تا پایان سلطنت پهلوی» در دانشگاه الزهرا (س) است.  
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. f.tabib1342@yahoo.com  
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

[fasihi@alzahra.ac.ir](mailto:fasihi@alzahra.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

رضاشاه تلاش‌هایی برای کنترل و ساماندهی این پدیده از طریق اسکان روسپیان و اعمال قوانین بهداشتی صورت گرفت و در دوره محمدرضاشاه رویکرد به روسپی‌گری به تدریج از برخورد کیفری تا حدی به برخورد اجتماعی تغییر یافت و اقداماتی برای حمایت از زنان روسپی و بازگشت آن‌ها به جامعه انجام شد. به رغم تلاش‌های صورت گرفته، حکومت‌ها در کنترل و پیشگیری این معضل توفیق چندانی نداشته و عوامل کلان ساختاری و نگرش‌های پدرسالارانه و مردسالارانه در جامعه نقش مهمی در تداوم روسپی‌گری داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** زنان، آسیب‌های اجتماعی، فحشا، عهد ناصری، دوران پهلوی، تهران.

## ۱. مقدمه

روسپی‌گری از جمله پدیده‌های اجتماعی است که از دیرباز وجود داشته و در واقع قدمتی به تاریخ پدرسالاری دارد و از زمانی که بشر با کار کشاورزی و برده‌داری آشنا شد و نقش زن از وجه تولیدی به وجهی جنسی مبدل شد، آغاز شده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: مقدمه ۴ و ۵). تلقی جوامع درباره روسپی‌گری در طول تاریخ متفاوت بوده است. این پدیده در بیشتر جوامع، عملی تقبیح شده بود و آن را گناه، حرام و جرم دانسته و صرفاً در دوران مدرن جزو آسیب‌های اجتماعی برشمرده شده است که رفع آن را نیازمند نظارت و حمایت از آسیب‌دیدگان دانسته‌اند. روسپیان در طول تاریخ نه تنها به مثابه کالای جنسی در جامعه مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، بلکه مجبور به پرداخت مالیات و مشارکت در جریان‌ها و رویدادهای سیاسی به نفع اشخاص متنفذ و حکومت‌ها نیز بوده‌اند. جامعه ایران نیز به اشکال مختلف در دوره‌های گوناگون پدیده روسپی‌گری و پیامدهای ناشی از آن را تجربه کرده است و در مقطع تاریخی پهلوی به خصوص دوره محمدرضاشاه به مثابه مسئله و دغدغه‌ای اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

روش پژوهش از نوع مقایسه‌ای - تبیینی، مبتنی بر گردآوری، تنظیم، توصیف و تشریح اطلاعات درباره وضعیت این زنان در اجتماع است. گفتنی است روش تطبیقی یا مقایسه‌ای در زمره مهم‌ترین روش‌ها بوده و این روش از دیرباز در میان محققینی

مانند ابوریحان بیرونی، ارسطو و... روشی مرسوم بوده است و در قرن نوزدهم و قبل از آن متفکران اجتماعی همچون دورکیم، ویکو، مونتسکیو بدین روش تمسک جستند و پدیده‌های اجتماعی را در سطح کلان مورد مقایسه قرار داده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۸۶/۲ و ۱۸۷). برخی آن را روشی پرکاربرد برای کشف بهتر علل پدیده‌ای معین دانسته‌اند. مقایسه عبارت از بررسی شباهت‌ها و اختلاف‌هاست. مقایسه می‌تواند بین ویژگی‌های خاص گروه، جامعه یا فرد در زمان‌های مختلف صورت گیرد (همان: ۱۸۹/۲ و ۱۸۳). روش مقایسه‌ای می‌تواند در مقایسه‌های درون کشوری یا در طول زمان مورد استفاده قرار گیرد (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۲۸۲).

در این پژوهش داده‌های تاریخی با اتکا به اسناد، سالنامه‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی و جامعه‌شناختی به ویژه سه کتاب فرمانفرمایان «در پیرامون روسپی‌گری در شهر تهران»، حجازی «بررسی جرائم زن در ایران» و پایان‌نامه محمد مهدی خاکپور «بزهکاری زنان در ایران بر اساس متد جرم‌شناسی» و با توجه به مؤلفه‌های سن، خاستگاه اجتماعی، محله‌های روسپی‌گری، تعدد و تکثر روسپیان، علل روسپی‌گری، نحوه مواجهه و اقدامات حکومت‌ها در خصوص روسپی‌گری در دوران قاجار و پهلوی گردآوری، طبقه‌بندی و مقایسه شده است.

هدف اصلی این پژوهش شناخت معضل روسپی‌گری زنان، تغییرات کمی و کیفی آن و نوع مواجهه حکومت با تن‌فروشی زنان در طول این دوران است. این پژوهش می‌تواند ضمن افزایش دانش تاریخی از وضعیت این زنان و درک چگونگی این آسیب، علل و تغییرات آن طی دوره‌های مورد نظر، جنبه‌ای کاربردی در تبیین آسیب‌های اجتماعی دوران معاصر داشته باشد و به یافتن راه‌حل‌های مناسب برای کاهش آن کمک کند؛ علاوه بر این پژوهش‌های تاریخی در مورد گروه‌های فرودست به خصوص زنان فرودست جامعه سابقه چندانی ندارد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که درباره روسپی‌گری در دوره‌های مختلف تاریخ ایران آثاری نوشته شده است، اما بیشتر آن‌ها یا مربوط به دوران اخیر است که از طریق تحقیقات میدانی انجام یافته و یا صرفاً بر دوره‌ای خاص متمرکز شده‌اند. از تحقیقات جدیدی که مرتبط با موضوع مقاله است می‌توان از تاریخ/اجتماعی روابط

سکسی در ایران نوشته ویلم فلور نام برد که فصلی از آن به روسپی‌گری اختصاص یافته و اطلاعات مفیدی در آن می‌توان یافت، اما این اطلاعات از منظری کلی نگاشته شده است. کتاب «جامعه‌شناسی روسپی‌گری، بررسی آسیب‌های اجتماعی» از سعید مدنی قهفرخی است که با اشاره به آمارهای این زنان به خصوص بر پایه کتاب فرمانفرمایان به ویژگی‌ها و علل روسپی‌گری و ایدز و قوانین و مقررات روسپی‌گری پرداخته است. وی در کتاب حاضر به نقش قدرت در قربانی کردن این نوع زنان پرداخته است. این کتاب با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی نگاشته شده و از نظریه‌های تاریخی و جامعه‌شناسی درباره روسپی‌گری استفاده کرده است. مقاله پیش‌رو با رویکرد تاریخی- تطبیقی در سه بازه زمانی مذکور با تفصیل و جزئیات بیشتر در شهر تهران در مقایسه با تحقیقات پیشین صورت متفاوت‌تری یافته است.

## ۲. معنا و مفهوم روسپی‌گری

روسپی در اصل مخفف روسپید است که برای تمسخر و طعنه اطلاق می‌شد. این واژه در پهلوی، رسپیک و به معنای فاحشه، بدکاره، قحبه، زنجه و تن‌فروش به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۳۷۱/۸-۱۲۳۷۰). به تازگی برخی سازمان‌های دولتی واژه «زنان ویژه» را نیز به این فهرست افزوده‌اند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: مقدمه ۶۲-۶۴). واژه جهمی در وندیداد به زن روسپی اشاره دارد که تجسمی از ماده دیوی به همین نام است (وندیداد، ۱۳۹۲: ۲۸۰ و ۲۸۵) در متون دوران اسلامی از اصطلاح نزدیک به روسپی‌گری یعنی «المشهور بالزنا» نام برده شده و نام‌های زن معروفه، زن ولگرد، زن دستوری، لولی و لوند نیز برای آن‌ها به کار رفته است (هاشمی فرد و حسنی، ۱۳۹۹: ۵۹۴؛ فلور، ۲۰۱۰: ۱۶۲؛ برهان قاطع: ۱۳۴۲، ۱۹۱۶/۳).

محققین علوم اجتماعی روسپی‌گری را خرید و فروش روابط جنسی دانسته‌اند؛ یعنی تن‌دادن به رابطه جنسی (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۹۶) بدون رعایت ضوابط قانونی و شرعی و همچون یک حرفه برای امرار معاش در برابر دریافت پول، کالا، هدیه، مقام و موقعیت و امکانات که خارج از مناسبات زناشویی و فاقد احساس صورت می‌گیرد و آن را نوعی نابهنجاری اجتماعی تلقی کرده‌اند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۳۵؛ فرجاد، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

### ۳. بررسی وضعیت تاریخی روسپی‌گری در تهران دوره قاجار

فحشا در عهد قاجار تا حد زیادی در شهرها و روستاها رواج داشت (فلور، ۲۰۱۰: ۲۱۲). تن‌فروشی در دوره قاجار رسمی پر دامنه و شغلی کاذب برای زنان بود که در تهران شدت بیشتری داشت (دلریش، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۴؛ قراییان، ۱۳۸۹: ۱۵۰). در دوره فتحعلی‌شاه در بخشی از تهران خانه‌هایی برای روسپیان وجود داشت (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۳۰). در دوره ناصرالدین شاه نیز به دستور وی محلی در خیابان حاج عبدالصمد منشعب از خیابان ملک دروازه قزوین به روسپی‌خانه اختصاص یافت (شهری، ۱۳۶۹: ۲۹۸/۱). فواحش در دربار شاه و صدراعظم و سایر درباریان حضور می‌یافتند و مجالس بزم را گرم نگه می‌داشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۳۳۵ و ۱۰۴۹). رجال دولت و مردان قاجار نه تنها از پیشه روسپیان سود می‌بردند بلکه خود از مشتریان پروپاقرص آنان بودند. گزارش‌های نظامیه از دارالخلافه تهران در سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۵-ق از وقوع روسپی‌گری در محله‌های مختلف شهر تهران حکایت دارد. در این اسناد اکثریت زنان با لفظ ضعیفه خطاب شده که نشان می‌دهد از طبقات پایین جامعه بوده‌اند؛ چنانکه آمده است: «محمد حسین که ضعیفه فاحشه را برای ارتکاب عمل شنیع به خانه برده...» (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۵۶۸/۲)، یا: «محمد علی برای اینکه ضعیفه فاحشه را نگاه داشته... در محله بازار گرفتار شده...» (همان، ۱۳۷۵/۲ و ۴۷۶). در برخی موارد نیز نام روسپیان ذکر شده است: «ضعیفه فاحشه سلطان نام» و «لیلی و سیده خانم نامان گرفتار اجزای پلیس گردیده...» (همان، ۱۳۷۵/۲ و ۶۵۳). بیشتر این زنان از شهرهای مختلف بودند و گاه در حین تأهل نیز به این کار مبادرت می‌کردند و گاه نسبت مادر و دختری نیز داشتند: «ضعیفه‌ای شیرازیه که سابقاً زن میرزا کریم خان سرتیپ بود به واسطه هرزگی او را مطلقه کرده اکنون دختر او هم از شیراز آمده متفقاً مشغول هرزگی هستند...» (همان، ۱۳۷۵/۲) و نقل شده است: «سید مرتضی که از دزدهای معروف و مشهور است... در باغ صبا منزل کرده... ضعیفه فاحشه [ای] را هم با مادرش آورده و مشغول تعیش...» (همان، ۱۳۷۵/۱ و ۵۱). یکی از مناطق وقوع فحشا تجریش و بیلاغات اطراف و در باغات آنجا بود: «شعبان علی مهتر اصطلب امین‌السلطان ضعیفه فاحشه را به برج نوش برده...» (همان، ۱۳۷۵/۱). حرفه برخی زنان قوادی بود و روسپیان را برای

مشتریان جور می‌کردند: «ضعیفه[ای] به دکان کلاتر نام که زنهای بد عمل را برای ارتکاب عمل شنیع به این طرف و آن طرف می‌برد و ضعیفه[ای] سلطان نام فاحشه گرفتار اجزای پلیس شده...» (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۶۷۳/۲). اعتمادالسلطنه در کتاب خاطراتش از زنی قواد به نام «حسن خان» یاد کرده که چند فاحشه دیگر را در اختیار داشته است. اعتمادالسلطنه سن این زن را حدود ۴۵ تا ۵۰ سال ذکر کرده است، اما زنان همراهش را بین ۲۵ تا ۳۰ سال حدس زده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۲۴ و ۱۲۵)؛ همچنین برخی مردان نیز به قوادی مشغول بوده‌اند: «... مراد نام چهار نفر از فواحش را به خانه‌اش آورده و مشغول جاکشی و اعمال شنیعه هستند اجزای پلیس مأمور گردیده، آن‌ها را گرفته... فواحش با گاری نفی بلد شوند و خود مراد پانزده روز حبس می‌شود و بعد از تنبیه و حبس باید التزام دهد که من بعد مرتکب این گونه کارها نشود...» (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۳۷۰/۱ و ۳۷۱) یا «حسن برای اینکه زنهای فواحش را برای ارتکاب عمل شنیع به این طرف و آن طرف می‌برد در چالمیدان گرفتار اجزای پلیس شده...» (همان، ۵۸۳/۲).

بیشتر زنان بدکار نفی بلد می‌شدند، اما متقاضیان آن‌ها گاهی حبس کوتاه‌مدت و تنبیه‌های سبکی را متحمل می‌شدند. بعضی با اتباع خارجی ارتباط داشتند: «ضعیفه فاحشه موسومه به حاجیه خانم برای ارتکاب عمل شنیع به خانه یک نفر تاجر مسیحی رفته اجزای پلیس مواظبت نموده مشارالیها را دستگیر کرده...» (همان، ۳۶۰/۱).

این اسناد نشان می‌دهد که ۱۸ مورد ارتکاب جرم در محله دولت رخ داده است، ۱۷ مورد در محله بازار، ۲۴ مورد در محله عودلاجان، ۱۷ مورد در محله چالمیدان، ۷ مورد در سنگلج و ۵ مورد جهت بررسی در اداره نظمیه و ۲ مورد در لواسان اشاره شده است؛ بیشترین مکان رخداد فحشا در محله عودلاجان از محلات پرجمعیت تهران بود که عده‌ای از شاهزادگان و کارمندان دولت در آنجا زندگی می‌کردند. پس از آن محله دولت قرار دارد که در این محل نیز بسیاری از افراد وابسته به حکومت زندگی می‌کردند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۳۰ و ۳۴). زنان روسپی بیشتر با مردان متمول جامعه ارتباط داشته و وقوع بزه بیشتر در محلات اعیان‌نشین بوده است. در بین مردانی که با روسپیان در ارتباط بودند القابی چون روحانی، مهدی، خان، حاجی، استاد، میرزا، مهتر، الملک



و الممالک، سید و معمم به چشم می‌خورد. حرفه‌های مردان مرتبط با روسپیان عبارت بود از: جارچی، کالسکه‌چی، میرغضب، نوکر، تاجر، زنبورکچی، سرباز قزاق، یاور توپخانه، نقیب‌السادات، گماشته، آردل‌های توپخانه و... . بیشتر این مردان از منظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی از جایگاه بالایی برخوردار بودند.

از میان اسناد مرکز اسناد ملی مربوط به دوره قاجاریه در مورد فحشا موارد مختلفی شامل محله عودلاجان و محله چالمیدان است. بیشتر آن‌ها مربوط به زمان ناصرالدین‌شاه، و احمدشاه و تعداد کمی مربوط به زمان مظفرالدین‌شاه قاجار است و وقوع این بزه در محله عودلاجان بیشتر بوده است. متقاضیان نیز بیشتر از بین مردان متمول بودند؛ القاب آن‌ها میرزا، نوکران صدراعظم، بیک و اتباع خارجی و... بود و مشاغل آن‌ها شامل منشی، کالسکه‌چی، کارگزاران صدراعظم، صراف، تفنگ‌دار و... است. در برخی اسناد به چندین مورد زن بدکاره اشاره شده است؛ از جمله در سندی مورخ ۱۲۸۲ق به هشت مورد و در سندی دو برگی با عنوان «هو صورت روزنامه‌چه مخفی طهران» به تاریخ ۱۲۸۸ق به موارد متعددی از فحشا در محله عودلاجان و چالمیدان اشاره شده است (ساکما، شناسه سند ۲۹۵۵۹۱۳ و ۲۴۴/۲۹۵). در خبرنامه محرمانه (روزنامه مخفی تهران) که گزارش‌هایی از محلات تهران ارائه شده، اخبار فساد و فحشای شاهزادگان و صاحب‌منصبان و سایرین آمده است؛ چنانکه در خانه معتمدالملک سه نفر فاحشه مشغول ساز و آواز و شرب شده‌اند و در محله عرب‌ها چند نفر فاحشه با آدم‌های صدراعظم مشغول عیش و عشرت هستند (ساکما، شناسه سند ۲۹۵/۲۷۷). یا در چالمیدان فاحشه‌ای به نام ماه‌رخ با فراش‌های معلم خانه ارتباط داشته است (ساکما، شناسه سند ۲۹۵/۲۷۱).

در این اسناد مواردی از ربودن و فریب زنان متأهل جهت فحشا نیز به چشم می‌خورد: «... نوکر مظفرالدوله دختر قربانعلی آقا قجر که شوهر هم دارد برده‌اند تا صبح مشغول شرب و هرزگی بوده‌اند...» و یا «نزدیک حمام نوروزجان شاه‌باجی نامی است زن‌های شوهر دار را ... بشرب و طرب و هرزگی می‌رساند...» (ساکما، شناسه سند ۲۹۵/۲۷۸). گاه به شکایت افراد محله از وجود فواحش اشاره شده است چنانکه در محله چالمیدان «شب گذشته جناب شریعتمدار آقای آقا سید اسمعیل به فراش... سپرده بودند که چند نفر فاحشه در محله می‌باشند همسایگان شکایت نموده‌اند...» (همان، همانجا). برخی اسناد به صورت نامه‌هایی رسمی اشاره به مراجع حکومتی و نظمی جهت جلوگیری از فحشا و فساد در شیره‌کش‌خانه‌ها و

مشروب‌فروشی‌ها و قهوه‌خانه‌های آلوده به استعمال تریاک و درخواست بستن این مراکز در برخی مناطق تهران از جمله محله قاجارها و شهرنو را داشتند. در سندی مربوط به سال ۱۳۳۲ق بخشنامه رسمی توسط نظمیه در مورد منع فروش علنی مشروبات الکلی و دایرکردن مراکز فحشا و قمار صادر شده است. منشأ این سند وزارت خارجه وقت ایران است (ساکما، شناسه سند ۳۶۰/۲۱۳۲). نمونه‌هایی از ارتباط زنان بدکار با اتباع خارجی نیز وجود دارد؛ سندی از وزارت عدلیه مورخ ۱۳۳۷ق به توقیف یکی از اتباع روسیه به جرم فحشا اشاره دارد: «اداره محترمه مدعی عمومی محاکمات وزارت خارجه... مسیحی تبعه روس را بجرم رفتن بخانه کفایت معروفه ... پس از جلب بکمیساریا بقونسولخانه متبوعه مشارالیه تسلیم نموده‌اند، مقتضی است برای تعقیب مشارالیه اقدام لازم را بفرمایند» (ساکما، شناسه سند ۳۶۰/۵۸۹۹)؛ همچنین به اقدامات خلاف عفت کالسکه‌ساز تبعه روسیه به تاریخ ۱۳۳۲ق در ۱۳ برگ اشاره شده است که بر اساس آن کسبه کوچه حاج باقر لاله‌زار تهران از اعمال منافی عفت این شخص شکایت کرده‌اند (ساکما، شناسه سند ۳۶۰/۲۱۳۱).

تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه به حضور فواحش در مجالس مظفرالدین شاه اشاره کرده است (خاطرات تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۶۹). پس از مشروطیت اصلاح‌طلبان، خواهان اصلاحاتی در مناسبات جنسی جامعه شدند و سنت‌هایی چون صیغه و نگهداری کنیز مورد انتقاد شدید آن‌ها قرار گرفت. تاج‌السلطنه حجاب را عامل عقب‌ماندگی کشور و بی‌اخلاقی و فحشا در جامعه دانسته و روسپی‌گری را یک پدیده شهری ذکر کرده است. علی‌رغم این انتقادات، روسپیان همچنان در سال‌های اول مشروطه به کار خود ادامه دادند (Dezhamkhooy, 2020: 734-735). در قرن ۱۹م تخمین زده شد که ۲۰ تا ۴۰ درصد مردان تهران مبتلا به سیفلیس بودند؛ رواج فحشا، زن صیغه‌ای گرفتن و لواط از جمله علل این بیماری بودند (فلور، ۱۳۸۷: ۳۷ و ۳۸؛ شهری، ۱۳۶۹: ۵۰/۱). در ۱۳۳۰ق تهران را لائۀ فساد و آزادخانه می‌خواندند که زنان بدکار در آنجا توی درشکه با مشتری‌هایشان در خیابان‌ها می‌گردند (فلور ۲۰۱۰: ۲۲۱). در دوره احمدشاه قاجار سخت‌گیری علما نسبت به حجاب بیشتر شد و با صدارت سید ضیا این سخت‌گیری شدت بیشتری یافت که حتی بیرون ماندن گوشه چشمی از زن موجب مجازات شوهر می‌شد، اما چنان راه برای فحشا گشوده شد که حتی زنان محترمه و عقیفه نیز به آن روی آوردند (شهری ۱۳۶۹: ۲۸۸/۱ و ۲۸۹).

شهری زنان تن‌فروش را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته ولگردان کوچه‌ها و خیابان‌ها که برخی خانواده داشتند و برخی بی‌کس و کار و مکان که خود را در اختیار خانه‌دارها قرار می‌دادند؛ دسته دوم فواحش رسمی و آن‌هایی که در فاحشه‌خانه‌ها (دروازه دولت)، (خیابان هدایت)، (کوچه قجرها)، (چاله سیلابی)، (سرکوره‌ها)، (توی خندق‌ها) بودند (شهری ۱۳۶۹: ۲۸۲/۶، ۲۸۶ و ۲۸۸). به دستور سید ضیاء زنان هرزه و فاحشه از داخل شهر و کوچه قجرها و چاله سیلابی و سایر محلات دیگر جمع‌آوری شده و در محل تازه تأسیس شهرنو در جنوب خیابان قزوین در ابتدای جاده قزوین جای داده شدند که بعدها شمار آن‌ها به ۱۵۰۰ تن رسید (شهری ۱۳۷۱: ۳۹۵/۳؛ شهری، ۱۳۶۹: ۱۵۰/۱ و ۲۸۶/۶). در سرشماری ۱۳۰۱ش مصادف با اواخر دوره قاجار از جمعیت ۲۴۰۰۰۰ نفری تهران نزدیک به ۵ درصد برابر با ۶۰۰۰ نفر از زنان تهران از راه روسپی‌گری گذران معاش می‌کردند. بر اساس سرشماری مذکور زنان تن‌فروش یک‌ونیم درصد و دختران تن‌فروش یک درصد و زن تک پیران دو درصد بوده‌اند (فلور ۲۰۱۰: ۲۲۴-۲۲۲). این پدیده اجتماعی در این زمان آن‌چنان افزایش یافت که در مقاله‌ای در روزنامه «عالم نسوان» تعداد این زنان را ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر تخمین زده‌اند؛ هر چند نویسنده این اعداد را تا حدی اغراق‌آمیز می‌داند، اما بیان‌کننده شدت این معضل در آن برهه زمانی است. ضمناً اولین عامل این معضل را مردان می‌داند و همچنین به عواملی چون ازدواج نامناسب از نظر سن کم زوجین، ناسازگاری اخلاقی طرفین، فقر گسترده، رواج عکس‌ها و کتب مستهجن اشاره دارد و در ادامه می‌افزاید که به‌قدری فساد در کوچه قجرها و شهرنو گسترده است که مردم خوبی و بدی را از هم تشخیص نمی‌دهند و از افراد سالم جامعه می‌خواهد تا شرافت و تقوای ملی را تقویت کنند (عالم نسوان، ۱۳۰۱، سال سوم، شماره اول، سنبله ۱۳۰۱، ۲۹-۳۱). شهری در مورد مهاجر بودن بیشتر روسپیان می‌گوید روسپیان روسپی‌خانه چاله سیلابی که در جنوب تهران سکونت داشتند؛ مهاجرینی بودند که در آلونک‌ها زندگی می‌کردند؛ همچنین به تعدادی عشایر و روستایی فقیر سارق نیز که به شهر سرازیر شدند و به‌عنوان نوکر و خدمتکار مشغول کار می‌شدند؛ اشاره کرده است (شهری، ۱۳۶۹: ۲۶۶/۶).

#### ۴. روسپی‌گری در تهران در دوران پهلوی (رضاشاه و محمدرضاشاه)

قلعه شهر نو از دوره محمدعلی شاه قاجار شکل گرفت و شخصی به نام «محمود عرب» در روتق‌بخشیدن تجارت جنسی در آنجا نقش داشت. وی علاوه بر قوادی چندین شیرکشی‌خانه

بزرگ دایر کرد. محلی که در آن چند خانه داشت معروف به «گذر حاج عبدالمحمود» بود. در دوره رضاشاه پهلوی فرد دیگری به نام «زال محمدخان» این امر را پی گرفت. زال محمدخان در محله شهر نو زندگی می‌کرد و در گسترش فحشا در این منطقه نقش اساسی داشت (شفق تهرانی، ۱۳۸۹: ۳۳۴ و ۳۳۵). به دستور سید ضیاء زنان هرزه و فاحشه در شهر نو جای داده شدند (شهری، ۱۳۷۱: ۳۹۵/۳؛ شهری، ۱۳۶۹: ۱۵۰/۱ و ۲۸۶/۶). رضاشاه نیز برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های مقاربتی همچون سیفلیس دستور جمع‌آوری روسپیان و تخریب زاغه‌ها و آلودگی‌های آن‌ها را داد و شخصی به نام «قوام» را مأمور بازسازی آن کرد. یکی از پارسیان به نام «ارباب جمشید» هزینه اسکان این زنان را با احداث خانه‌های فراوانی برعهده گرفت، با ساخت خانه‌های جدید این منطقه معروف به «شهر نو» شد. به پاس زحمات قوام یکی از دو خیابان اصلی به نام او نام‌گذاری شد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۲۳۵ و ۲۳۸).

بر طبق دومین احصایه شهر تهران، تعداد زنان تن‌فروش در سال ۱۳۰۶ش ۲۱ نفر، در سال ۱۳۰۷ش ۱۴ نفر و در سال ۱۳۰۸ش ۲۱ نفر بوده است (بلدیه طهران، ۱۳۱۰: ۷۰). در مجله «پیک سعادت نسوان» در سال ۱۳۰۶ش به وجود فواحش بسیار زیادی در جامعه اشاره شده است که بیشتر آن‌ها از طبقات فقیر بوده‌اند و نویسندگان این مجله توصیه می‌کنند که برای رفع این مسئله باید این زنان از نظر مالی و معیشتی دارای شغل باشند تا بتوانند به حیاتی سالم در اجتماع ادامه دهند (پیک سعادت نسوان، دی‌ماه ۱۳۰۶، س اول، ش ۲، ۶۱).

(جدول-۱): منبع: تعقیب دومین سالنامه احصایه بلدی سرشماری نفوس شهر تهران، ۱۳۱۲: ۱۲۹

| سال   | سن مجرم | تعداد |
|-------|---------|-------|
| ۱۳۱۱ش | ۱۰-۱۱   | ۱۲    |
| ۱۳۱۱ش | ۱۱-۲۰   | ۴۵۶   |
| ۱۳۱۱ش | ۲۱-۶۰   | ۸۱۳   |

در دهه ۱۳۱۰ش تلاش شد تا نام این زنان ثبت شود (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۷). بر اساس سرشماری ۱۳۱۱ش تعداد زنان روسپی ۱۲۸۱ نفر بوده که در ۸۵۰ فاحشه‌خانه مشتمل بر ۴۴۲۱ اتاق ساکن بوده‌اند؛ بیشتر این زنان مطلقه بود و یا توسط همسرشان به این معضل وادار شده بودند (شهری ۱۳۶۹: ۷۱/۱ و ۷۷-۷۸).

البته این آمار کسانی است که گرفتار محاکم قضایی شده بودند و بدون شک تعداد

این افراد با توجه به آمار ۱۳۱۱ش باید بیش از این تعداد باشد.

(جدول-۲): آمار روسپیان بر اساس محاکم قضایی تهران در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶. منبع: حجازی،

۱۳۵۷: ۱۷۹-۱۸۱

| تعداد  | سال  |
|--------|------|
| ۷ نفر  | ۱۳۱۲ |
| ۳۳ نفر | ۱۳۱۳ |
| ۴۶ نفر | ۱۳۱۴ |
| ۳۱ نفر | ۱۳۱۵ |
| ۶۰ نفر | ۱۳۱۶ |

بیشترین جرم زنان مربوط به فحشا است که در مراکز شهرها به خصوص در تهران رخ می‌داد. این دسته جرائم بیش از ثلث جرائم ارتكابی از سوی زنان را تشکیل می‌داد که ۳/۴ آن شامل جرم قوادی و دایرکردن فاحشه‌خانه بود و مرتکبین آن در اثر فقر و بی‌سوادی و بیکاری برای کسب درآمد بدان آلوده می‌شدند (همان، ۱۴۷-۱۴۸ و ۱۴۹). حجازی تهران را به دلیل پایتخت‌بودن و متأثر از فرهنگ غربی مستعدتر برای جرم و بزه می‌داند چون پای‌بندی مردم شهرستان به مذهب و اصول اخلاقی مانع جرم می‌شد (همان، ۱۷۴-۱۷۵). نسل جدید نویسندگان دهه ۱۳۰۰ش که خواهان تغییرات مدرن در ایران بودند یکی از مصیبت‌های اجتماعی ایران را روسپی‌گری دانسته و از آلودگی شدید اخلاقی مردان شکوه می‌کردند و حتی زنان را از وصلت با آنان برحذر می‌داشتند (عالم‌نسون، ۱۳۰۱: ش ۳، سال ۳، ۳۲-۳۰). نویسندگان دهه ۱۳۱۰ش نیز بر این معضل بزرگ تأکید کرده‌اند. در سال ۱۹۴۰م (۱۳۱۹ش) نزدیک به دو هزار روسپی در تهران فعال بوده‌اند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۷؛ آینده ایران، ۱۳۱۲، ۲۴ تیر، شماره ۳۱، سال سوم، ۲). وجود گسترده بیماری‌هایی چون سیفلیس و سوزاک در آن ایام نشان‌دهنده سطح بالای فساد و فحشا در آن دوره بوده است؛ در مجله بلدیة در دی ماه ۱۳۰۹ به ۱۰۸ نفر مبتلا به سیفلیس و ۴۴ نفر مبتلا به سوزاک، در مطب عمومی بلدیة، به ۳۷۶ مورد سیفلیس و ۷۰ مورد سوزاک، در مریض‌خانه بلدیة و به ۸۵ مورد بیمار مقاربتی در مطب عمومی زایشگاه بلدیة اشاره شده است (بلدیة طهران، ۱۳۰۹، دی ماه، سال ۹، ش ۵: ۱۵۵). آمار موجود بیماری‌های مقاربتی در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ در این مجله نیز به خوبی بیان‌کننده شدت این امراض در آن دوره است. در دوره محمدرضاشاه نیز معضل فحشا و تبعات ناشی از آن همچنان دغدغه برجستگان جامعه بوده

است. روزنامه زبان زنان فحشا را یک موضوع مهم و قابل بررسی می‌داند (زبان زنان، ۱۳۲۳: شماره ۲، خرداد ماه، ۴). در سندی به سال ۱۳۲۲ش به ممنوعیت ورود اطفال کم سن و سال به رستوران‌ها و دانسینگ‌ها و تمرکز فحشا در نقاط معین اشاره شده است (ساکما، شناسه سند ۳۱۰/۵۵۲۸۳). روزنامه «مرد امروز» در سال ۱۳۲۴ش شهر تهران را به دلیل گستردگی فحشا «لجن‌زار تهران» نامیده است (مرد امروز، ۱۳۲۴: ۱۳ مرداد، ۷ و ۱). در سندی رواج فحشا و انتقال مراکز فساد به شهرنو اعتراض برخی از سکنه این منطقه را برانگیخته و تقاضای انتقال آن را به خارج از شهر داشته‌اند (ساکما، شماره سند ۳۱۰/۶۱۱۵). گفته شده است گسترش فحشا موجب شد در سال ۱۳۲۵ دختر بچه‌های ۶ تا ۸ ساله را قوادهای شهر نو به مبلغ سی تومان از والدین می‌خریدند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۱). در سال ۱۳۲۶ به دایرکردن فاحشه‌خانه توسط یک خانواده اشاره شده است (ساکما، شماره سند ۳۱۰/۶۱۱۵۹). حکیم الهی نیز از زندگی مشقت‌بار فواحش و فراوانی امراض مقاربتی همچون سیفلیس و سوزاک در میان ساکنین شهرنو و حتی در کل تهران می‌نویسد و از جمله تعداد بیماران سیفلیسی بیمارستان‌های تهران را بر اساس گزارشی از اداره بهداشتی در سال ۱۳۲۵ش سیصد هزار نفر ذکر کرده و می‌افزاید در دیداری که اشرف پهلوی در همان ایام از یک بیمارستان در تهران داشته به او گزارش می‌دهند که طی یک سال ۱۴۰ هزار سیفلیسی تنها به این بیمارستان مراجعه کرده‌اند. در ادامه می‌گوید لابد عده‌ای در اثر نداری مراجعه به پزشک نکرده و افراد متمول به دکتر خصوصی مراجعه می‌کردند و مسلماً بیش از این موارد بوده است؛ چنانکه روزنامه‌های خارجی نیز از قول سربازان خود نوشتند بیماری سیفلیس یک بیماری بومی و رایج در تهران است (حکیم الهی، ۱۳۲۷: ۲۰۰ و ۲۰۱، ۴۳-۴۰، ۱۹۳، ۱۱۷ و ۱۱۸/۲ و ۱-۴). او در گفت‌وگو با روسپیان شهرنو اذعان کرده است که عده‌ای از این زنان ربوده شده و یا توسط شوهران به صورت اجباری و یا توسط افسران پلیس به عنف به آنجا آورده شده‌اند (همان، ۹/۱). در سال ۱۳۲۸ش تخمین زدند که چهارصد فاحشه در شهرنو حضور داشتند؛ به اضافه تعداد نامعلومی که در تهران پراکنده بودند. حکیم الهی به هشتاد هزار زن معروفه در آن زمان اشاره دارد (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۰؛ حکیم الهی ۱۳۲۷: ۱۹۰/۲).

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زاهدی نخست وزیر وقت دستور داد دور قلعه شهرنو حصار بکشند که امکان ورود زنان جدید به آنجا وجود نداشته باشد که از این پس به «قلعه زاهدی» معروف شد و مکانی آزاد برای فواحش و متقاضیان آن‌ها بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵:

۲۳۵-۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۱؛ شهری، ۱۳۶۹: ۲۹۹/۶-۳۰۱). در دهه ۱۳۳۰ اش روسپی‌گری ۲۵ درصد جرم‌های زنان تهران را شامل می‌شد و در زمان پژوهش حجازی (۱۳۴۱) نزدیک به سه هزار روسپی مجوزدار در منطقه شهر نو بودند (حجازی، ۱۳۵۷: ۱۴۸ و ۱۴۹؛ فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۱). آمار زنان مجرم به جرم روسپی‌گری در بازه زمانی ۱۳۳۱-۱۳۳۵ ش بر اساس دفاتر استیناف تهران بدین قرار است:

(جدول-۳): آمار زنان مجرم به جرم روسپی‌گری در بازه زمانی ۱۳۳۱-۱۳۳۵ ش بر اساس دفاتر

استیناف تهران. منبع: حجازی، ۱۳۵۷: ۱۸۱-۱۸۳

| سال  | تعداد |
|------|-------|
| ۱۳۳۱ | ۱۱۹   |
| ۱۳۳۲ | ۱۲۷   |
| ۱۳۳۳ | ۱۱۶   |
| ۱۳۳۴ | ۱۱۱   |
| ۱۳۳۵ | ۱۰۶   |

(جدول-۴): آمار مجرمین زن (فحشا) در تهران بر اساس محاکم جنایی سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۵ منبع: همان، ۱۸۶-۱۸۸

| سال  | تعداد |
|------|-------|
| ۱۳۳۱ | ۲     |
| ۱۳۳۲ | ۲     |
| ۱۳۳۳ | ۵     |
| ۱۳۳۴ | ۵     |
| ۱۳۳۵ | ۲     |

(جدول-۵): آمار جرائم زنان (فحشا) بر اساس دادگاه‌های استان و محاکم جنایی تهران در سال‌های

۱۳۳۱-۱۳۳۵. منبع: همان، ۱۹۱-۱۹۳

| سال  | تعداد |
|------|-------|
| ۱۳۳۱ | ۱۲۱   |
| ۱۳۳۲ | ۱۲۱   |
| ۱۳۳۳ | ۱۲۱   |
| ۱۳۳۴ | ۱۶۰   |
| ۱۳۳۵ | ۱۰۸   |



گفتنی است نسبت زنان مجرم به کل مجرمین (مرد و زن) طی سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۵ رو به افزایش بوده و از ۳/۶ درصد به ۵ درصد در سال ۱۳۳۵ افزایش یافته است (ربیع‌زاده و همکاران، ۱۳۷۶: ۸) روسپی‌گری در غالب نواحی شهری شایع بود و علاوه بر شهرنو روسپیان در فاحشه‌خانه‌ها، هتل‌ها و خانه‌های خود کار می‌کردند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۶ و ۲۲۷).

در سندی از این دوره پراکندگی فواحش در شهر تهران بدین قرار گزارش شده است:

۱. فاحشه‌خانه اصلی در شهرنو واقع در دروازه قزوین

۲. توده زنان ولگرد پراکنده در خیابان‌های شهر به خصوص در خیابان‌های شمالی شهر از جمله تخت جمشید و عباس آباد.

۳. مراکز پنهانی پراکنده در محله‌ها و خیابان‌های شهر

علت پراکندگی فراوان آن‌ها در سطح شهر در اثر قصور دولت در ایجاد یک مرکز مشخص همراه با امکانات بهداشتی و رفاهی برای روسپیان بیان شده است؛ چرا که از نظر کارشناسان ریشه‌کنی این معضل غیرممکن بوده است (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۸۶۰۳، ۲۵-۲۷) زند مقدم می‌نویسد که وجود یک خانواده منزله از آلودگی فحشا در شهرنو بسیار نادر بود و بیشتر خانواده‌های ساکن در آنجا به فحشا آلوده بودند (زند مقدم، ۱۳۳۶: ۱۱). در دهه ۴۰ گزارشی مبنی بر شش‌هزار کارت سلامت وجود دارد که از این تعداد ۴۵۰۰ کارت به دلیل فوت یا فرار باطل شده است؛ البته زن‌های خیابان‌گرد که تعدادشان بسیار زیاد بود، شامل گروهی که کارت بهداشت داشتند، نبودند (همان، ۵۶-۵۸). زنان روسپی تا دی‌ماه ۱۳۴۸ ش از کارت سلامت به‌مانند مجوز رسمی شغلی استفاده می‌کردند، اما از این تاریخ به بعد کارت بهداشت لغو شد و نوعی آزادی فحشا در تهران رخ داد؛ یعنی هر زنی به راحتی وارد قلعه نو می‌شد و طبق قرارداد در یکی از خانه‌ها مشغول به کار می‌شد. تحت این شرایط قریب ۱۱۸۰ روسپی در قلعه مشغول کسب بودند. این تعداد بنابر گزارش مقامات پلیس متغیر بود (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۲۰۳ و ۲۰۴). در یکی از اسناد وزارت راه و ترابری احتمالاً به تاریخ ۱۳۵۳ به بعد<sup>۱</sup> که حاوی گزارشی مفصل در مورد منطقه شهر نو از نظر جمعیت، تعداد

---

۱. این سند فاقد تاریخ است، اما از آنجا که نام وزارت «راه و ترابری» در ۱۳۵۳ معمول شد، می‌توان حدس زد که تاریخ سند باید مربوط به همین سال یا سال‌های بعد باشد.



خانواده‌ها، ناکافی بودن امکانات آموزشی و درمانی، میزان اتاق‌های مسکونی، فقر و کثیفی و شلوغی آن است؛ جمعیت شهر نو بیش از بیست‌هزار نفر شامل ۴۲۶۲ خانوار و ساکن ۷۰۱۹ اتاق ذکر شده است؛ یعنی هر خانواده دو اتاق کامل برای زندگی نداشته‌اند (ساکما، شماره سند ۳۲۰/۶۷۰). در دوره پهلوی علاوه بر شهر نو، روسپیان درکاباره‌ها، هتل‌ها و خیابان‌ها نیز فعالیت می‌کردند که آمار دقیقی از آن‌ها در دست نیست (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۱۳-۱۷ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴؛ مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۲۴۲ و ۲۴۳). گاه مطالبی در روزنامه‌ها مبنی بر شکایت برخی ساکنین مناطق تهران از حضور روسپیان در این مکان‌ها درج شده است که موجب ناامنی برای خانواده‌ها و باعث ترک محل توسط ساکنین شده و گرچه پلیس موقتاً آن‌ها را دور می‌کردند، اما مدتی بعد بازمی‌گشتند. ساکنین از حمایت ضمنی پلیس از این روسپیان شکوه داشتند و از مسئولین تقاضای رسیدگی کرده بودند (آیندگان، ۲۵۳۵، ۱۰ تیر، سال ۹، شماره ۲۵۶۱: ۶). در جایی دیگر به گله برخی زنان متأهل از رفت‌وآمد شوهرانشان به کاباره‌ها و بارها اشاره شده است که مورد سودجویی روسپیان این مکان‌ها قرار می‌گرفتند و از قول زنان رقاصه ابراز داشته‌اند که با پلیس‌ها ضمن رابطه جنسی شریک مالی نیز هستند و پلیس‌ها مزاحم کار آن‌ها نمی‌شوند. این کاباره‌ها به گفته شاکیان در محدوده کلانتری‌های بخش ۷ و ۹ دایر بودند (همان، ۱۳۴۹، ۲۶ اردیبهشت، سال ۳، شماره ۷۲۸: ۱۰). در پژوهش فرمانفرمایان بررسی این زنان که در مراکز تفریح شبانه به‌عنوان رقاصه، بازیگر و پیشخدمت و... مشغول به کار بودند، به دلیل عدم دسترسی تا حدی عمدی به آن‌ها میسر نشده است (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۴۷). در روزنامه آیندگان ضمن بررسی نتایج تحقیق فرمانفرمایان به پژوهش دیگری در سال ۲۵۳۵ اشاره شده است که مربوط به ۴۴۰ زن روسپی ساکن قلعه است. در این بررسی ۳۰ درصد آنان کمتر از ۲۵ سال داشته‌اند و ۷۲ درصد کمتر از ۴۰ سال بوده‌اند و ۵۴/۱ درصد صاحب فرزند بوده و ۴۷/۳ درصد سه فرزند داشته‌اند و برخی از ۱ تا ۹ فرزند داشته‌اند. در مورد سابقه روسپی‌گری ۲/۳ درصد کمتر از یک سال آلوده شده بودند، ۳۵/۶ درصد ۵ سال سابقه کار، ۱۶/۱ درصد ۱۰ سال، ۱۰/۹ درصد تا ۱۵ سال و همچنین ۱۲/۲ درصد از ۲۵ تا ۳۵ سال سابقه کار داشتند. آنان از نظر بهداشتی دچار بیماری آمیزشی بودند و امکانات کم پزشکی جوابگوی مشکلات درمانی آن‌ها نبوده و خواهان کارت بهداشت به‌عنوان مجوز کسب بودند. روسپیان جوان که معمولاً درآمد بیشتری داشتند زیر نظر سردهسته‌ها و با پرداخت نصف درآمد خود به آن‌ها کار می‌کردند. رباخواران قلعه با نرخ بهره

بسیار زیاد و اخذ اسناد متعدد، زنان قلعه را اسیر خود می‌کردند و از طریق معتاد و مقروض کردن و تهدید، آن‌ها را در چنگ نیات پلید خود نگه می‌داشتند. محله قلعه که حدود ۶۰ سال در خدمت روسپیان بود بسیار کثیف و فقرزده گزارش شده است. در پایان آمده است که باید موجودیت این محل و روسپیان آن را پذیرفت؛ سپس راهکارهایی برای بهبود وضعیت روسپیان از جمله وضع قوانین حمایتی، بالابردن امکانات بهداشتی و جذب افراد ناراضی از شغل خود به مشاغل دیگر ارائه شده است (آیندگان ۲۵۳۵، ۱۱ اسفند، سال ۱۰، شماره ۲۷۶۲: ۱۶؛ آیندگان، ۱۳۴۸، ۱۷ دی، سال ۳، شماره ۶۲۶: ۵). نکته مهم ساختاری بودن فحشا در این ایام است که شامل سردهسته‌ها، واسطه‌ها و درباکن‌ها بود و هرکدام نقش‌ها و وظایف و کارکرد مشخصی داشتند و تحت نظارت حکومت به صورت قانونی و رسمی مشغول به کار بودند (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۱۷).

##### ۵. علل روسپی‌گری در سه دوره تاریخی

۱. فقر گسترده: چنانکه مستوفی آشتیانی می‌نویسد: «زنان بدبختی که... اگر درست تأمل کنیم واضح شود، که یکی از هزار آنان برای پیروی نفس اینکار را نمی‌کنند بلکه بسائقه اضطرار قدم در ورطه شناعة می‌گذارند» (مستوفی آشتیانی، ۱۳۱۸ق: ۲۱). برخی موجبات و تداوم روسپی‌گری در دوره قاجار را تعداد زیاد مردان بی‌زن، مردانی که در سفر بودند، فقر و تهیدستی زنان، بیکاری و نبود شغل مناسب برای آن‌ها دانسته‌اند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۱۶ و ۲۱۹-۲۲۱). سو استفاده رجال و متمولین و سربازان قاجار از این زنان بی‌پناه نیز بازار خودفروشی را در این دوره گرم نگه داشته بود (دلریش، ۱۳۷۵: ۵۷-۵۹). جرم فحشا از نظر حجازی نیز در اثر فقر و مسائل اقتصادی و شهرنشینی بروز می‌یافت و بیشترین جرائم در مراکز شهرها به خصوص در تهران رخ می‌داد (حجازی، ۱۳۵۷: ۱۴۹-۱۵۰).

۲. خشونت ناشی از نظام مردسالارانه جامعه: پروین اعتصامی در مورد فواحش شهرنو به فقر و فقدان فضیلت اخلاقی و به ویژه به دلیل کلیدی این آسیب یعنی فرهنگ مردسالار مردان ایرانی اشاره می‌کند و رفتار مستبدانه مردان را مسبب انحراف زنان می‌داند (حکیم الهی، ۱۳۲۷: ۱۹۵/۲-۱۹۷). حجازی نیز از سلطه قدرتمند نگرش مردسالاری و پدرسالاری در جامعه ایران که موجب محرومیت و وضعیت بد زنان

شده شکوه کرده است (حجازی، ۱۳۵۷: ۵) خاکپور نیز به تداوم سلطه نگاه سستی بر رفتار و افکار زنان اشاره دارد (خاکپور، ۱۳۵۷: ۱۸ و ۱۹)؛ در واقع آسیب پذیری زنان در ایران و جهان به تبعیض و سیاست جنسیتی حکومت ها، محدودیت اقتصادی و آموزشی و برداشت های غلط جامعه و شرایط خانوادگی و تفسیر مذهبی مرتبط است (Honarbin, 2008: 4). از نظر برخی دلیل بزهکاری زنان نظام ساختارمند پدرسالاری است که موجب فرودستی زنان می شود و عاملی برای تولید خشونت مردان و کنترل جنسی و جنسیتی زنان است که باعث می شود زنان قربانی انواع بزه شوند؛ مانند فرار از خانه و فحشا و... (Hays, 2005: 8, 9, 22, 28)؛ لذا آسیب های زنان در ایران از جمله فحشا و علل مختلف آن چون فقر زنان، بی سوادی و... در سایه هژمونیک نگاه مردسالارانه عرفی و مذهبی قابل تفسیر و تبیین است (نظری، ۱۳۹۵: ۳۹ و ۴۰؛ فلور، ۲۰۱۰: ۲۴۵ و ۲۴۶).

۳. مطلقه شدن و ربودن و فریفتن زنان: بیشتر زنان روسپی یا مطلقه بوده و یا توسط شوهرانشان به روسپی گری وادار می شدند (شهری، ۱۳۶۹: ۷۱/۱ و ۷۷ و ۷۸). بر طبق نظر فلور از حدود دوهزار روسپی فعال در تهران در سال ۱۳۱۹ حدود ۳۴ درصد مطلقه بودند و ۱۴ درصد گول مردان شیاد را خورده بودند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۷). بیشترین زنانی که در آمار پژوهش فرمانفرمایان (۱۵۴۸ نفر) به فحشا کشیده شده اند یا فریب خورده یا ربوده شده یا فروخته شده و یا از طرف خانواده پدر و همسر مطرود و بی سرپناه شده بودند و ۷۲ درصد آنان از ازدواج خود ناراضی بودند (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۵۴ و ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۲۵ به بعد). در روزنامه اطلاعات گزارش هایی از اغفال زنان مطلقه و بی سرپرست در تهران و فروش آنها به شهرستان ها از جمله آبادان و شیراز آمده است (اطلاعات، ۱۳۴۲، ۲ آبان، شماره ۱۱۲۲۶: ۱۴). دختری که ناگزیر به فرار شده بود می گوید: «مادرم من را مرتب آزار می دهد و تشویق به هرزگی می کند» و دختران دیگری نیز بودند که توسط افراد دیگر مجبور به تن فروشی شدند (کیهان، ۱۳۴۲، ۱۶ اریب هشت، شماره ۵۹۳۷؛ همان، ۱۰ و ۱۸ تیر، شماره ۵۹۸۸؛ همان، ۱۳۴۵، ۴ تیر، شماره ۶۸۶۳: ۱۰).

۴. ازدواج های زودرس و اجباری و نامناسب و کم سواد یا بی سواد: ازدواج های

زودرس و اجباری، محرومیت از تحصیل و فقدان کسب مهارت، نامناسب بودن وضعیت مالی شوهران و بی سواد و سوءرفتار آن‌ها نسبت به زنان، معتاد و مجرم بودن شوهران عاملی برای انحراف این زنان بود (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۱۴۶ و ۱۲۵ به بعد). خاکپور سن تأهل روسپیان در دوره پهلوی را بین ۹ تا ۱۸ سال ذکر کرده است؛ در واقع بیشتر این زنان بلوغ کافی برای قبول مسئولیت سنگین ازدواج را نداشته‌اند. بالاترین بازه سنی ارتکاب فحشا مربوط به بازه سنی ۱۸-۴۰ سالگی است (خاکپور، ۱۳۵۷: ۲۷ و ۳۰).

۵. مهاجرت: در پی مهاجرت از روستاها به شهر به ویژه تهران در سال ۱۲۹۱ش: «زنان بدنام در تمام محله‌های تهران و یا شهرهای دیگر پیدایشان شده است. کدخداها و باباهای آن محلات آن‌ها را می‌شناسند و تلک‌شان می‌کنند» (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۰). روند مهاجرت به شهرها به خصوص تهران از شهریور ۱۳۲۰ش به بعد موجب شد زنانی که تنها یا همراه خانواده به این شهر آمدند در انطباق با ارزش‌های تازه شهر جدید دچار مشکل شده و تضاد و تعارض فرهنگی زمینه‌ساز آسیب اجتماعی و بزه زنان مجرم مهاجر بود (خاکپور، ۱۳۵۷: ۱۱۰-۱۰۸؛ آیندگان، ۲۵۳۵، ۲۳ اسفند، سال ۱۰، شماره ۲۷۷۱، ۲۴).

## ۶. مواجهه حکومت با معضل روسپی‌گری

ساماندهی روابط جنسی و تعیین محدوده‌های آن از ابتدای تشکیل جوامع بشری دغدغه‌ای رایج بوده است به طوری که در قانون حمورابی نیز نمایان شده و نظم‌بخشی آن‌ها در چهارچوب موازین قانونی مورد توجه قانون‌گذاران بوده است. با ظهور ادیان توحیدی بسیاری از هنجارها و قالب‌های عرفی صبغه مذهبی به خود گرفت و احکام جزایی و اجرایی سنگینی برای متخلفان در نظر گرفته شد (موریس، ۱۳۸۱: ۲۵۳ و ۲۵۴). روسپی‌گری پس از ورود اسلام به ایران بر خلاف عرف اجتماعی و احکام دینی همچنان پا بر جا ماند و حکومت‌های ایران در مواجهه با این پدیده رویکردهای چندگانه‌ای را اتخاذ کردند:

### ۱-۶. استفاده‌های مالی و سیاسی از روسپیان

بهربرداری‌های مالی و سیاسی از روسپیان در دوره قاجار امری معمول بود. در زمان حکومت فتحعلی‌شاه سنگین‌ترین مالیات را رقاصه‌ها و عاشقان سینه‌چاک لذت به حکومت می‌دادند.

اعتمادالسلطنه از مالیات گزاف روسپیان در دوره ناصری می‌نویسد: «کنت (دومونت فورت) در سال از جنده‌های تهران چهارده هزار مالیات می‌گیرد» و از قول ناصرالدین‌شاه می‌گوید هر بار که این زنان را از شهر بیرون می‌کردند از دروازه دیگر وارد می‌شدند که از نظر اعتمادالسلطنه علت آن دریافت مالیاتی چشم‌گیر از آن‌ها بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۴۵). ژنرال وستداهل سوئدی رئیس پلیس تهران نیز می‌گوید مالیات مذکور بزرگترین منبع درآمد اداره وی بود (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۳ و ۲۱۶). به گفته حاج سیاح «زنان هرزه‌گرد مقاطعه ماهی مبلغی می‌دهند تا شب‌ها به هر جا بروند» (حاج سیاح، ۲۵۳۶: ۴۸۲) و در سال ۱۳۲۸ ق نزدیک به چهل گروه زن با بیش از چهارصد رقاصه و خواننده به احتشام‌الخلوت از مقامات درباری مالیات می‌پرداختند؛ علاوه بر مالیات‌گیری، مقامات حکومتی قاجار از روسپیان برای جاسوسی نیز استفاده می‌کردند. این زنان به خلوتگاه مشتریان از جمله اروپاییان می‌رفتند و از امور خانه خبر می‌دادند و گاه اقلامی را برای مأموران انتظامی می‌دزدیدند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۱۵ و ۲۱۶). گاهی نیز از آن‌ها برای حذف رقبای سیاسی استفاده می‌کردند. در دوران مشروطه سعدالدوله برای مقابله با رقبای مشروطه‌خواه «دسته‌ای از زنان فاحشه را در تحت ریاست نظمیه (سعیدالسلطنه) رشوت می‌دهند که در ماه رمضان یک روز با صورت‌های گشوده بی‌حجاب در بازار تهران وارد شوند و بگویند آزادیست و ما باید بی‌حجاب باشیم و به خیال این که لابد بر سر این کار هیجان عمومی می‌شود و از نتایج سوء مشروطیت می‌گردد، بلکه بدین وسیله هم بشود اخلال در کار مجلس نمود» (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۱۶۰/۲).

در دوره پهلوی با توجه به تغییر ساختار حکومت و روند مدرنیزاسیون گویا سیستم قدیم مالیات‌گیری از روسپیان ملغی شده بود و احتمالاً سیستم پرداخت منظم به نظمیه جایگزین آن شده بود. در اوائل دهه ۱۳۰۹ اقداماتی در جهت ثبت‌نام این زنان انجام شد و در پاییز ۱۳۲۲ ش قانونی بر تأیید این اقدام گذرانده شد که البته محمدرضا شاه آن را امضا نکرد؛ زیرا به نظر می‌رسید مسئله گرفتن مالیات از آن‌ها مطرح بود (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۶ و ۲۲۷). در دوره رضاشاه روسپیان نسبت به دوره قاجار از تحرکات سیاسی کمتری برخوردار بودند. از میان رفتن نفوذ متنفذان دوره قاجار از یک سو و دگرگون‌شدن نظام اداره امور شهرها، دخالت این گروه از زنان را در اقدامات سیاسی نسبت به گذشته محدودتر ساخت و آنان نقش خود را برای مدت کوتاهی تا سال‌های

۱۳۲۰ از دست دادند (لعل شاطری و وکیلی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). البته مریت هاکس در همین دوره می‌نویسد: «... در حال حاضر... دولت جاسوسان زیادی داشته باشد، فاحشه‌ها جاسوسان خوبی برای دولت به شمار می‌روند» (هاکس، ۱۳۶۸: ۲۲۰). در دوره محمدرضاشاه در غائله آذربایجان در ۱۳۲۵ و نیز در کودتای ۱۳۳۲ استفاده دولت از آن‌ها آشکار است. در سرکوب غائله آذربایجان و اشغال شهر زنجان و تبریز اراذل و اوباش همراه نیروهای نظامی وارد شده و دسته‌های معتادین با وافورهای خود، فواحش با دایره و دنبک و سرووضع و حرکاتی شرم‌آور به تظاهرات میهن‌پرستانه پرداختند (جامی، ۱۳۶۲: ۴۴۹ و ۴۶۹؛ نجاتی ۱۳۷۸: ۵۵۸). در کودتای ۲۸ مرداد خانم رئیس‌های محله شهرنو نقش مهمی برعهده داشتند؛ چند تن از مشهورترین آن‌ها ملکه اعتضادی، پری آژدان قزی و پری بلنده بودند که نفوذ چشمگیری در دربار داشتند. این‌ها با اعوان و انصار خود با بذل و بخشش‌های سازمان اطلاعاتی انگلیس و آمریکا و از طریق نیروهای وابسته داخلی از جمله علی جلالی و فرخ کیوان و برادران رشیدیان در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شایفی نقش کردند. کرمیت روزولت (از طراحان کودتا) آن‌ها را همکارانی بسیار ارزنده توصیف می‌کرد. بودجه ۵ میلیون دلاری آمریکا برای سرنگونی مصدق از طریق عوامل داخلی بین اراذل و اوباش و مثنی فواحش فریب‌خورده پخش می‌شد (فردوست، ۱۳۸۶: ۱۸۱/۱ و ۱۸۳؛ دلد، ۱۳۷۱: ۲۹۷). «کودتاچیان در روز ۲۷ مرداد به هر یک از کلانتری‌های تهران مبلغ ۴۰ هزار تومان وجه نقد داده بودند تا اوباش هر محل [اعم از زن و مرد] را جمع کنند...» (سررشته، ۱۳۶۷: ۱۱۳). فواحش همراه با عکس‌های اعلیحضرت جملات و کلمات مستهجن و مشمئزکننده‌ای برله شاه و علیه مصدق به زبان می‌آوردند (دلد، ۱۳۷۱: ۳۰۳).

## ۲-۶. منع و مجازات روسپیان

در دوره قاجار روسپی‌گری مجازات داشت؛ گرچه گاه با اهمال آن را اعمال می‌کردند. مجازات روابط نامشروع یعنی زنا در قوانین شرع اسلام بسیار سنگین بود از جمله سنگسار کردن؛ اگرچه در آن ایام گاهی طی مقررات خاصی از این مجازات می‌گریختند (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۳۴). گاهی زن زناکار را زنده‌زنده در کیسه‌ای می‌گذاشتند و به آب می‌انداختند. روابط نامشروع در میان زنان حرمسرا با وجود نظارت

سخت‌خواج‌ها وجود داشت و خاطیان مجازات می‌شدند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۸۸). گاه سر روسپی را می‌تراشیدند و در کوچه‌وبازار می‌گرداندند (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۷۳ و ۱۰۴ و ۱۹۱). گاهی سزای انحراف زن خطاکار را با مسموم کردن، به چاه‌انداختن، در نمد مالیدن، تبعید به نقاط دوردست و یا رهاکردن در بیابان به اجرا در می‌آوردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۲۱ و ۲۴۴). اگر دختر یا زن بیوه یا مطلقه‌ای خارج از عرف ازدواج باردار می‌شد مرگش حتمی بود. کشتن روسپیان توسط افراد عادی گاهی مجازاتی در پی نداشت (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۴ و ۱۵۳). گاه برای روسپیان جهت اصلاح و تأدیب خانه‌های مخصوصی به نام توقیف‌خانه معین می‌کردند که وظیفه این زنان شستن لباس‌های طلبه‌ها و سربازان بود، زنان پیرشان نیز مرده‌شویی می‌کردند (دلریش، ۱۳۷۵: ۵۲ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۷). اعتمادالسلطنه به مجازات تبعید این زنان اشاره کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۴۵). در دوران پهلوی روسپی‌گری و اعمال مربوط به آن همچنان جرم تلقی می‌شد. تا قبل از ۱۳۰۴ش و تصویب قانون «مجازات عمومی ایران» مجازات روسپی‌گری بر پایه قوانین شرعی تعیین می‌شد. مقررات مربوط به جرائم با عنوان «هتک ناموس و منافیات عصمت» در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ش در مواد ۲۰۷-۲۱۴ لحاظ شده بود. در سال ۱۳۱۲ش این عنوان در قانون اصلاح شد و در ذیل فصل پنجم قانون مجازات عمومی با عنوان «جنحه و جنایات بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی» قرار گرفت و مقررات نسبتاً جامع‌تری اجرا شد. مطابق قوانین جزایی ۱۳۱۲ش جرائم قابل مجازات عبارت بودند از:

- عمل منافی عفت علنی و خصوصی (هتک عصمت)
- هتک ناموس، ازاله بکارت، لواط، رابطه نامشروع و وادارکردن به فحشا یا تهیه بساط فحشا و ترویج آن (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۱۲۳۲؛ فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۲۰۶).

این قوانین در دوره محمدرضاشاه نیز ادامه یافت. در سندی به طرح قانون جلوگیری از مراکز فساد در کشور در سال ۱۳۲۳-۱۳۲۴ش شامل منع کار شیره‌کش-خانه‌ها و پیاله‌فروشی‌ها و فاحشه‌خانه‌ها در مناطقی که حکومت نظامی اعلام شده بود، اشاره شده است که البته شهربانی در اثر کمبود نیرو امکان کنترل این امر را نداشته و



نسبت به آن اهمال وزیریده است (ساکما، شماره سند ۳۱۰/۳۱۷۳۳) و در سندی به تاریخ ۱۳۳۷ش به ابطال پروانه کسب کلیه اماکن فساد در اطراف قلعه شهرنو اشاره شده است و ارتباط صاحبان آن‌ها با سناتور جمال امامی و نورالدین امامی نماینده مجلس شورای ملی را ذکر کرده است (ساکما، سند شماره ۲۹۰/۱۰۷۲)؛ در همین سال مصوبه‌ای مبنی بر منع فحشا و جلوگیری از اشاعه آن در دو مجلس سنا و شورای ملی به تبع از فرمان محمدرضا شاه پهلوی در اجرای قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل اصلاحی قرارداد منع فحشا صورت گرفت (ساکما، شماره سند ۹۴/۲۹۳/۱۱۰۷). در اسناد سال ۱۳۳۸ نیز به منع فحشا و جلوگیری از نشر نشریات مستهجن اشاره شده است (ساکما، شماره سند ۲۹۳/۳۹۷۷۹).

در این دوره قانون مجازات عمومی مواد ۲۱۰ تا ۲۴۴ مرتبط با فحشا و زنا بود که بر اساس آن روسپیان مجازات می‌شدند، اما چون از روسپی‌گری تعریف دقیقی نشده بود با اهمال اجرا می‌شد و مجریان قانون تا حدی بلامتکلیف بودند. مجموع مواد مذکور ناظر بر اغلب موارد منافات عفت بود، اما حکم صریحی نداشت. در ماده ۲۱۰ برای مرتکبین منافی عفت یا جریحه‌دارکردن عفت عمومی به طور علنی، حبس تأدیبی از یک ماه تا یک سال یا تأدیه ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال جزای نقدی در نظر گرفته شده بود (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۲۰۴) بر اساس ماده ۲۱۱ شش ماه حبس تأدیبی یا ۲۵۰ تا ۵۰۰۰ ریال غرامت برای کسی که عادتاً افرادی را به فساد اخلاق یا منافات عفت تشویق کند یا وسایل آن را برای آنان فراهم آورد یا فاحشه‌خانه‌ای دایر کند و شخص را وادار به کار یا به این منظور اجیر کند در نظر گرفته شده بود و طبق ماده ۲۱۲ از شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی برای رابطه نامشروع زن و مرد متأهل اعلام شد، اما برای مجردین حکمی وجود نداشت. ماده ۲۱۳ شش ماه تا ۲ سال حبس تأدیبی برای کسی که عایدات ناشی از فحشای زنی را وسیله تمام و یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد یا روسپی را در شغل روسپی‌گری حمایت کند و یک سال حبس تا سه سال برای کسی که زنی را برای روسپی‌گری در خارج از کشور حمایت یا برای رفتن او را اجیر کند در نظر گرفته شد. همین قانون برای زنان مجرد و مردان مجرد صراحت نداشت و آن‌ها تحت پیگرد قرار نمی‌گرفتند (آیندگان، ۲۵۳۵، ۱۱ اسفند، سال ۱۰، شماره ۲۷۶۲: ۱۶).



اعمال این نوع قوانین گاه به بستن برخی از فاحشه‌خانه‌ها و دستگیری فاحشه‌ها منجر می‌شد. در ۱۳۲۶ حدود ۸۰ درصد فاحشه‌خانه‌های تهران را بستند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۸ و ۲۲۹). برخورد با روسپیان خیابانی بستگی به شدت عمل در اجرای مقررات و سیاست دولت‌ها در مقاطع مختلف داشت؛ در ضمن ضابطان قضایی نسبت به گروهی از زنان روسپی که در محلات مختلف تهران ساکن بودند کاملاً بی‌تفاوت بودند. در مجموع تا پیش از انقلاب اسلامی در عمل هیچ‌گونه برخورد سختی با فواحش و فاحشه‌خانه‌ها نمی‌شد؛ اگرچه در قانون جرم بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۵: ۱۲۶۲ و ۱۲۶۳ و ۱۲۴۶).

### ۳-۶. سیاست‌ها و حمایت‌های قانونی در جهت کنترل روسپی‌گری

تا پیش از دوران پهلوی و از جمله در دوره قاجار، حکومت نظارت چندانی بر فعالیت‌های روسپی‌گری نداشت. دولت در این دوره بیشتر از این زنان برای مقاصد مالی و تفریحی استفاده می‌کرد و کمتر برای ساماندهی یا حمایت قانونی از آن‌ها اقدام می‌کرد. در دوران پهلوی که تلاش‌هایی برای مدرن‌سازی و اصلاح شرایط اجتماعی انجام شد رویکرد دولت به روسپی‌گری تا حدی تغییر کرد و اقداماتی برای ساماندهی و کنترل این پدیده از طریق قوانین و مقررات انجام شد. از جمله سیاست‌های دولت رضاشاه برای کنترل فحشا و بیماری‌های ناشی از آن دستور جمع‌آوری فواحش و تخریب زاغه‌های آنان در «گذر حاج عبدالحمود» بود (لعل شاطری و وکیلی، ۱۳۹۵: ۶۴)؛ علاوه بر اسکان فواحش در محلی خاص، نظام‌نامه «تحدید فعالیت فواحش» نیز تنظیم شد که از شیوع بیماری‌های مقاربتی جلوگیری می‌کرد و دریافت مجوز سلامت برای ادامه کار روسپیان اجباری شد. رئیس کل صحنه کشور لایحه‌ای مبنی بر لزوم تأسیس سرویس ویژه معاینه روسپیان به وزارت داخله فرستاد و بر مداخله دولت در کنترل و نظارت بر کار روسپیان تأکید داشت. خلاصه موارد پیشنهادی لایحه عبارت بود از تهیه آمار فواحش هر شهر با اسم و آدرس و ارسال به صحنه، استخدام دو نفر طبیب دیپلمه حاذق با حقوق مکفی برای معالجه آن‌ها و حضور زنان برای معاینه با کمک آژان‌های نظمیه تا کسی جرأت استنکاف نداشته باشد. حمل و نقل زنان مریض به خرج دولت باشد و قبل از دریافت گواهی سلامتی حق خروج از بیمارستان را نداشته باشند.

در تهران از سال ۱۳۱۲ تلاشی نه چندان موفق در جهت سامان دادن فواحش و فاحشه‌خانه‌ها به عمل آمد، مقرر شد نام فواحش شهرنو ثبت و دارای کارت شناسایی عکس‌دار و نیز کارت بهداشت شوند؛ همچنین دستوری صادر شد که چنانچه افسری با فاحشه‌ای دیده شود، بازداشت و جریمه شود (حسینی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۱۴). تأسیس مؤسسات خیریه برای تربیت اخلاقی فواحش و منصرف کردن آن‌ها از این کار نیز در دستور کار قرار گرفت (ساکما، شماره سند ۳۱۰/۱۸۶۵۷). مرکزی نیز به نام «خانه امید» برای جلوگیری از فحشا و احیای افرادی که تمایلی به این کار نداشتند تأسیس شد (آینده ایران، ۱۳۱۲، تیر ماه، سال سوم، شماره ۳۲، ۳). در دوره محمد رضا شاه ظاهراً اقدامات بیشتری برای بازگشت روسپیان به جامعه صورت گرفت و تاحدی به روسپی‌گری از منظر آسیب اجتماعی پرداخته شد. انجمن‌های خیریه‌ای در سال ۱۳۲۱ توسط افراد خیر و دربار برای کمک به افراد مستمند و فقیر از جمله زنان بی‌سرپرست و آسیب‌دیده در تهران به تأسیس شدند (اطلاعات ۱۳۲۱، ۳۰ آبان، شماره ۵۰۶۰، ۳ و ۴). برای حل مشکل روسپی‌گری به ویژه در تهران حکومت ناگزیر شد کاری به جز بستن و متمرکز کردن فاحشه‌خانه‌ها و دستگیری روسپیان انجام دهد. در ماده ۲۷۳ قانون جزایی افرادی که کار نداشتند، ولگرد شناخته می‌شدند و وظیفه دولت یافتن کار برای آنان بود. برای این که ولگردان بتوانند شهروندان مفیدی شوند، دولت چندین مرکز آموزش حرفه‌ای برای آنان باز کرد تا بتوانند به زندگی اجتماعی باز گردند (اطلاعات ۱۳۴۲، ۲۸ شهریور، شماره ۱۱۱۹۶، ۱۴). در دهه ۱۳۳۰ دولت سعی کرد روسپیان را به این مراکز بیاورد، اما در عمل توفیق چندانی حاصل نشد و آنان منطقه بدنام را رها کرده و در خود تهران کار می‌کردند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۷). یکی از این آموزشگاه‌های حرفه‌ای در خیابان سی‌متری و با بودجه سالی ۴۸۰۰۰۰ ریال برای نجات زنان ویژه از تن‌فروشی بود که دوره‌های کارآموزی دوساله‌ای را برای آنان برگزار می‌کرد و به زنانی که ازدواج می‌کردند چهل تا پنجاه هزار ریال کمک می‌کرد (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۵۰). سندی مبنی بر بررسی وضع روسپیان شهرنو و ایجاد اشتغال آنان با شرکت در کارگاه‌های آموزشی و تولیدی مربوط به سال ۱۳۴۷ش وجود دارد که نشان می‌دهد دولت و سازمان‌های وابسته به آن در پی ارائه و پیاده‌سازی طرح‌هایی برای کاهش و پیشگیری این آسیب در

سطح کشور بوده‌اند؛ زیرا از نظر کارشناسان وقت از بین بردن این معضل نه تنها در ایران بلکه در هیچ کشوری میسر نبوده است. در این سند به مسئولیت سازمان زنان در قبال سازماندهی این زنان اشاره شده و تأسیس خانه رستگاری با ظرفیت دویست نفر را برای آن‌ها در نظر گرفته بودند؛ ضمناً با همکاری وزارت کشور و دانشگاه تهران به مطالعات جامع در زمینه این آسیب پرداخته بودند تا بعدها در تدوین برنامه نهایی برای رسیدگی به وضع این زنان مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین در این سند به موجودیت غیر رسمی انجمن مبارزه با فحشا اشاره شده است که چند سال محدود و کم‌اثر در این زمینه فعالیت کرده است (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۸۶۰۳، ۱-۱۱). راه حل دیگر دولت تأسیس «خانه مادران تنها»، «خانه‌های زن» و «مراکز توانبخشی» برای روسپیان بود (آیندگان ۱۳۵۰، ۱۷ آذر، سال چهارم، شماره ۱۲۰۱: ۸؛ همان، ۲۵۳۵، ۲۴ تیر، سال نهم، شماره ۲۵۷۳: ۵). با این تدابیر دولت در سال ۱۳۵۲ ادعا می‌کرد که روسپی‌گری کاهش یافته و همه در شهرنو اسکان داده شده‌اند و تحت نظارت پلیس و مأموران بهداشت هستند و می‌توانند در کلاس‌های سوادآموزی و مهارت‌های حرفه‌ای شرکت کنند تا از زندگی اجتماعی بهتری برخوردار شوند (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۸). علی‌رغم این تدابیر، توفیق زیادی حاصل نشد و بسیاری از پژوهشگران آن دوره از نارسایی و ناکارآمدی قوانین حقوقی و عدم اجرای صحیح آن‌ها در مقابله با فحشا شکوه می‌کنند. حجازی انتقاد می‌کند که در عرف برای جرائم عفا فی مردان آزادی و سهل‌گیری بیشتری وجود دارد (حجازی، ۱۳۵۷: ۱۶۰ و ۱۶۱). فرمانفرمایان می‌نویسد در قانون ۲۱۰ منحصرأ زن خاطی مشمول جریمه و توبیخ می‌شود در حالی که مردان خاطی نیز باید مجازات شوند و قوانین جزایی باید شامل مردان نیز بشود؛ علاوه بر این قوانین ایران به علل جرم نمی‌پردازد و تنها با نگاه محکومیت نسبت به مجرمین عمل می‌کند و هیچ راهی برای تجدید حیات وجدانی و نجات مجرم نمی‌گذارد که در نتیجه مجرم دوباره به سوی جرم سوق داده می‌شود (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۲۰۸ و ۲۰۹). او می‌افزاید وجود مراکز فحشا مانند قلعه شهرنو حتی با نظارت قانون اولاً از نظر بهداشتی و سرایت امراض مقاربتی خطرناک است؛ ثانیاً وجود چنین مراکزی به توسعه و ترویج فحشا کمک می‌کند؛ ضمناً کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بیشتر هم‌نظرند که باید از ایجاد چنین مراکزی جلوگیری کرد و بیشتر بر اصل تجدید حیات وجدانی مجرم و

تجدید امکانات اجتماعی و بازتوانی روسپی تمرکز کرد؛ همراه آن می‌توان قوانین جزایی یا اصلاح اخلاقی را نیز وضع کرد؛ همچنین سهل‌انگاری و اغماض قانون در این دوره در قبال این زنان و مشارکت و معاونت حکومتیان در این مسئله به گونه‌ای با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و راه را برای گسترش این آسیب در جامعه باز گذاشت تا هم مقامات از سود سرشاری برخوردار شوند و هم از خدمات جنسی آن‌ها بهره بگیرند و بدین شکل آن‌ها در حریم خصوصی با توجه به دستمزد کم و ساعات کار طولانی (همان، ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۱۷۶-۱۷۸) نه تنها توسط مردان متقاضی بلکه از طریق ساختارهای حکومتی مردسالار به صورت آشکار و رسمی و قانونی مورد سوء استفاده قرار می‌گرفتند و پیامد این ظلم، بزه و آسیب بیشتر برای آنان بود. حکیم الهی نیز بارها دولت وقت را مسئول ترویج فساد و فحشای عده‌ای بی‌گناه قلمداد می‌کند که با ایجاد این معضلات می‌خواست به راحتی بر اجساد بی‌روح ملت حکومت کند. به باور او حکومت بیشتر درصدد عوام‌فریبی و تبلیغات از طریق سازمان خدمات شاهنشاهی و وزارت بهداری و سایر ادارات دولتی است (حکیم الهی، ۱۳۲۷: ۱۸۸ و ۱۸۹، ۱۸۴/۲-۱۸۵ و ۱۹۰/۲). فرمانفرمایان پدیده روسپی‌گری در شهر تهران را، پدیده‌ای شهری و ناشی از امر مدرنیزم و توسعه اقتصادی دانسته است که در سایر کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته امری فراگیر و شایع است، اما می‌افزاید در نبود قوانین و سازمان‌های حمایتی از این زنان آسیب‌پذیر تمایل آن‌ها به انحراف از جمله فحشا اجتناب‌ناپذیر است و پیشگیری از آن نیازمند برنامه‌ای بلندمدت و جامع است. به نظر وی یکی از راهکارهای آن مبارزه با رشوه‌خواری و نفوذ و دخالت مقامات حکومتی در این آسیب است (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۶).

## ۷. یافته‌های پژوهش

### ۷-۱. تشابهات

- فحشا در هر سه دوره با توجه به داده‌های کمی و کیفی زیاد بوده است.
- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روسپی‌گری در هر سه دوره تاریخی تحت تأثیر عواملی همچون فقر اقتصادی، ناامنی، بی‌سرپرستی زنان، عدم حمایت اجتماعی و فقدان فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان رواج داشته است. در هر سه دوره این

زنان از نظر خاستگاه اجتماعی، مکان‌های زندگی و سن فحشا وضعیت نسبتاً مشابهی دارند. یعنی بیشتر از طبقات پایین جامعه و در محلات فقیرنشین بوده‌اند و بیشتر آن‌ها در سنین نوجوانی و جوانی به این معضل آلوده شده‌اند.

- در هر سه دوره ویژگی‌های مشابهی برای این افراد وجود دارد از جمله فقر فرهنگی، فقدان سواد و یا پایین بودن سواد، ازدواج‌های زودرس و اجباری و طلاق‌های مکرر و زودرس و ...

- فرهنگ مدرسalarانه و پدرسالارانه چه در حوزه خصوصی و چه در عرصه عمومی در ایجاد آسیب‌های اجتماعی به ویژه در جامعه مدرسalar ایران نقشی کلیدی دارد و سیطره همه‌جانبه این فرهنگ بر ذهنیت بیشتر مردم و نقش دولت مجری به‌عنوان دولت پدرسالار به خصوص در دوره قاجار در نهادینه کردن آن در گسترش فحشا امری ملموس و مشهود بوده است.

- در هر سه دوره عمل روسپی‌گری بر اساس مفهوم جرم معنا می‌یافت و مجازاتی را برای آن در نظر می‌گرفتند.

- نکته قابل توجه اینکه در هر سه دوره سخت‌گیری بیشتر بر زنان و بدون اعمال مجازات برابر برای متقاضیان مرد آن‌ها بود. شاید این مسئله را به وضوح بتوان از منظر نگرش مدرسalarانه در ایران درک کرد.

- قوانین در هر سه دوره در قبال زنان روسپی با دیده اغماض اعمال می‌شد و بیشتر در پی کنترل آن بودند و نه جلوگیری از آن. در دوره قاجار بیشتر تبعید و اخراج آن‌ها از شهر روشی معمول بود و در دوره پهلوی با وضع برخی قوانین شامل جریمه و حبس کردن بود و در هیچ‌کدام از این دوره‌ها تلاشی جدی و مستمر برای ریشه‌یابی علل و درمان آن صورت نگرفت، البته در دوره رضاشاه تلاش‌هایی برای ساماندهی آن‌ها انجام شد و در اواخر دوره محمدرضا شاه تا حدی از منظر آسیب اجتماعی تلاش‌هایی گرچه اندک برای حمایت این قشر از سوی دولت انجام گرفت.

- در هر سه دوره به جهت خلأ زمانی و تاریخی بودن موضوع و از سوی دیگر ممانعت مقامات حکومتی (دوره پهلوی) در نشر آمار دقیق و شفاف در مورد این زنان، پژوهش در این زمینه چالش برانگیز است.

- در هر سه دوره مقامات حکومتی درآمدهای کلانی را از طریق دخالت و مشارکت

در این فعالیت کسب می‌کردند؛ بنابراین شاید بتوان گفت که سهل‌انگاری و اغماض قانون در هر سه دوره در قبال این زنان و مشارکت و معاونت حکومتیان در این مسئله به گونه‌ای با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و راه را برای گسترش این آسیب در جامعه باز گذاشته بود.

#### ۷-۲. تفاوت‌ها

- در دوره قاجار فحشا هم در روستاها و هم در شهرها وجود داشت، اما در دوران پهلوی بیشتر پدیده‌ای شهری بود که به علت مهاجرت و یا امر توسعه در شهرها بروز می‌یافت.
- در دوره پهلوی این پدیده ساختارمند شد؛ یعنی شامل گروه‌ها و طبقات با نقش و وظایف مشخص است و امری رسمی و قانونی است.
- در دوران پهلوی سازمان‌های ذی‌ربط اقدامات آموزشی و حرفه‌ای را جهت بازگشت این زنان به جامعه به‌عنوان شهروندانی مفید پی گرفت.
- میزان فحشا در دوران پهلوی نسبت به دوره قاجار روندی کاهشی داشته است. از دلایل این کاهش می‌توان به کم‌رنگ‌شدن فرهنگ مردسالارانه در این دوره، تغییر سبک ازدواج یعنی اختیاری‌بودن آن و مبتنی بر عشق و با آشنایی قبلی صورت می‌گرفت؛ اشاره کرد (آفاری و فاوست، ۱۴۰۳: ۴۸ و ۴۹)؛ همچنین بالارفتن سطح آموزش زنان و احراز جایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها و حمایت‌های دولت پدرسالار مدرن که به تبع از آن بالارفتن عزت نفس و اعتماد به نفس زنان را در پی داشت از جمله دلایل کاهش فحشا در این ایام است.
- با توجه به تحقیق فرنفرمایان متنوع‌شدن فحشا در دوره پهلوی ناشی از مدرن‌سازی کشور بود و شامل دسته‌های مختلفی بودند؛ مانند زنان خیابانی، زنان خانه‌دار یا بی‌مکان، زنانی که در مراکزی مانند هتل‌ها، کافه بارها و دانسینگ‌ها و... حضور داشتند.

#### ۸. نتایج کمی

برای نتایج کمی به دو آیتم جمعیت (اوایل و اواخر هر دوره) و تعداد فحشا در سه دوره نیاز داریم. در دوره قاجار شش هزار زن روسپی بر اساس سرشماری ۱۳۰۱ در تهران در دوره

احمد شاه قاجار وجود داشته است که ۵ درصد زنان تهران را شامل می‌شد (فلور، ۲۰۱۰: ۲۲۲-۲۲۴) که با افزودن ۲۵۶ مورد روسپی مربوط به اسناد مرکز اسناد ملی (کتابچهٔ راپورت-های وقایع محلات مختلفه دارالخلافه و برخی اسناد پراکنده) مجموعاً ۶۲۵۶ مورد فحشا در این دوره به‌دست آمده است. جمعیت تهران در دورهٔ ناصری ۱۴۷۲۵۶ نفر بوده‌اند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۲۷ و ۲۸). در دورهٔ رضاشاه بر اساس سرشماری سال ۱۳۱۱ (۱۲۸۱ نفر) و آمار حجازی در بازه زمانی ۱۳۱۲-۱۳۱۶ (۱۷۷ نفر) و بر اساس احصاییه‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ (۵۶ نفر) و در سال ۱۳۱۹ (۲۰۰۰ نفر) بود که در مجموع ۳۵۱۴ نفر گزارش شده است که اگر جمعیت تهران ابتدای این دوره را همان میزان اواخر قاجار در نظر بگیریم یعنی ۲۴۰ هزار نفر و جمعیت اواخر این دوره که ۵۰۰ هزار نفر بوده است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۸) میانگین این دو عدد را به‌دست آورده و سپس از نصف آنان که زنان هستند درصدگیری کنیم  $1/89$  درصد خواهد شد یعنی نزدیک به دو درصد زنان تهران به این آسیب آلوده بوده‌اند. حتی اگر فرض کنیم در بطن شش هزار نفری دورهٔ احمدشاه قاجار همان تعداد مذکور دورهٔ رضاشاه ۳۵۱۴ وجود داشته‌اند و تنها شش‌هزار نفر را نسبت به زنان تهران دورهٔ رضاشاه درصدگیری کنیم باز هم به درصد کمتری نسبت به دورهٔ قاجار می‌رسیم ( $3/24$  درصد) و اگر باز به‌دلیل فاصلهٔ زمانی کم سرشماری ۱۳۰۱ با پادشاهی رضاشاه شش‌هزار نفر مذکور را به موارد دورهٔ رضاشاه اضافه کنیم یعنی ۹۵۱۴ همچنان به درصدی پایین‌تر از دورهٔ پیشین می‌رسیم ( $5/14$  درصد) که همچنان روند کاهشی این آسیب را نشان می‌دهد. آمار دورهٔ محمدرضاشاه با توجه به داده‌های مذکور در مطالب بالا چهار هزار نفر (فلور، ۲۰۱۰: ۲۳۰) و سه هزار نفر (حجازی، ۱۳۵۷: ۱۴۸ و ۱۴۹) و شش‌هزار نفر (زند مقدم، ۱۳۳۶: ۱۱) و آمار حجازی ۱۲۲۶ نفر مذکور در جداول بالا و فرمانفرمایان ۱۵۴۸ نفر (فرمانفرمایان، ۱۳۴۹: ۴۰ و ۵۴ و ۵۵) و خاکپور ۷۳ نفر (خاکپور، ۱۳۵۷: ۱۷) هستند و جمعیت اوائل دوره طبق سرشماری ۱۳۳۵ ش ۱۵۰۰۰۰۰ نفر بود (ماری لادی-فولادی، ۲۰۰۳: ۲۷ و ۲۸ و ۵۱) و اواخر این دوره در سال ۱۳۵۶، ۵ میلیون نفر (فوران، ۱۳۹۰: ۴۷۱ و ۴۷۲) ذکر شده که طبق روال قبلی درصدگیری می‌کنیم تقریباً ۱ درصد را به ما نشان خواهد داد؛ یعنی ۱ درصد جمعیت زنان تهران دچار این آسیب بوده‌اند که همچنان روند کاهشی این آسیب مشهود است و حتی اگر به طور فرضی جمعیت آن‌ها را پنج برابر کنیم همچنان درصد بالایی نخواهد داشت. این نتایج با توجه به داده‌های در دسترس به‌دست آمده و هر زمان که اسناد و آمار بیشتری به‌دست آید، قابل تغییر است.



| شاخص‌ها/ دوره تاریخی    | دوره قاجار | دوره رضاشاه پهلوی     | دوره محمدرضاشاه پهلوی |
|-------------------------|------------|-----------------------|-----------------------|
| آمار فحشا               | ۶۲۵۳       | ۹۵۱۴                  | ۱۶۲۸۷                 |
| میانگین جمعیت تهران     | ۱۹۳۶۲۸     | ۳۷۰۰۰۰                | ۳۲۵۰۰۰۰               |
| جمعیت زنان تهران        | ۹۶۸۱۴      | ۱۸۵۰۰۰                | ۱۶۲۵۰۰۰               |
| درصد فراوانی نسبی (نصف) | ۶,۴۵٪      | ۱,۸۹٪ - ۳,۲۴٪ - ۵,۱۴٪ | ۱٪                    |

### ۹. نتیجه‌گیری

با توجه به مقایسه این سه دوره تاریخی از منظر موارد تشابه و تفاوت به نظر می‌رسد وضعیت این زنان با توجه به شدت فرهنگ مردسالاری و محرومیت فزاینده زنان در حریم خصوصی (خانه) و حریم بیرونی در دوره قاجار اسفبارتر از دوران پهلوی بوده است؛ اگرچه این آسیب همچنان جزو جرائم بالای زنان در دوران پهلوی بوده است، اما با کاهش فرهنگ مردسالارانه و اقدامات پیشگیرانه سازمان‌های ذی‌ربط تا حدی از افزایش آن جلوگیری شده و نسبت به دوره قاجار روندی کاهشی داشته است؛ همچنین ازدواج اختیاری و آزادانه بر اساس علاقه زوجین نیز در این کاهش مؤثر بوده باشد. ضمناً از نظر تحول در کیفیت آن باید گفت در دوره پهلوی برخلاف دوره قاجار روسپی‌گری پدیده‌ای ساختارمند، علنی و رسمی بوده و در شکل‌های متنوعی با توجه به امر مدرنیزاسیون در کشور بروز یافته است.

پدیده روسپیگری به دلیل قدمت و فراگیربودن آن در جوامع می‌تواند همچنان موضوعی گشوده برای تحقیقات بیشتر باشد؛ به ویژه از این‌رو که قربانیان اصلی این آسیب اجتماعی زنان هستند، می‌توان به مواجهه خاص زنان با این پدیده و راه‌حل‌های پیشنهادی آنان جهت رفع این معضل بر پایه کتاب‌ها، خاطرات و مطبوعات زنان توجه داد؛ علاوه بر آن روسپی‌گری در ایران در مقایسه با سایر جوامع به ویژه در منطقه خاورمیانه نیز می‌تواند موضوع مهمی برای پژوهش‌های آتی باشد.

## فهرست منابع

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۷)، مقالاتی درباره تهران؛ اینجا تهران است مجموعه ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق، چ اول، تهران: نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص).
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وزیرانطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری، با مقدمه ایرج افشار، چ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه امیرکبیر.
- آفاری، ژانت و فاوست، جیزلین (۲۰۲۳/۱۴۰۳)، روابط عاشقانه ایرانیان در عصر دیجیتال: از ازدواج سنتی تا ازدواج سفید، ترجمه آیرین دارا، چ اول، لندن: نشر نو گام.
- بنجامین ج.س. (۱۳۶۹)، ایران و ایرانیان «عصر ناصرالدین شاه»، ترجمه حسین کرد بچه، چ دوم، تهران: نشر جاویدان.
- پولاک، ژاکوب، ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چ دوم، تهران: نشر شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- تاج السلطنه (۱۳۶۱)، خاطرات تاج السلطنه مجموعه متون و اسناد تاریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، ج هفتم، چ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- جامی، ن. (۱۳۶۲)، گذشته چراغ راه آینده است، تهران: ققنوس.
- حجازی، قدسیه (۱۳۵۷)، بررسی جرائم زنان در ایران، چ دوم، انتشارات شرکت حقوقی قدسی.
- حسینی، سیده مرضیه، فصیحی، سیمین (۱۳۹۷)، «سیاست‌های دولت پهلوی در مقابله با بیماری‌های رقابتی»، تاریخ پزشکی، دوره دهم، ش ۳۷، صص ۸-۲۰.
- حکیم الهی، هدایت‌الله (۱۳۲۷)، شهرنویز، بامن به شهرنو بیابید، ج ۱ و ۲، چ پنجم، بی‌جا: بی‌نا.
- خاکپور، محمد مهدی (۱۳۵۷)، «بزهکاری زنان در ایران»، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۴۲)، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ج سوم، چ دوم، تهران: نشر ابن سینا.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰)، سفر در ایران، منوچهر اعتمادمقدم، چاپ چهارم، تهران: نشر شبانویز.
- دلدن، اسکندر (۱۳۷۱)، حاجی و شنگتن، تهران: گلفام.
- دلریش بشری (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجار، تهران: نشر تحقیقات و پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، حیات یحیی، ج ۲، تهران: عطار و فردوسی.
- دومین سالنامه احصایه شهر تهران از سنه ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ شمسی (۱۳۱۰)، بلدیه طهران سرویس معارف احصاییه و نشریات مطبوعه طهران.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد ۸، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ربیع زاده، سوسن، فریبا، زمانی، شیدا نبی (۱۳۷۶)، بررسی وضعیت اجتماعی اقتصادی زنان مجرم و بزهدار در شهر تهران، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پژوهشگاه علوم اجتماعی.
- زند مقدم، محمود (۱۳۳۶)، قلعه (شهرنو)، چ اول، تهران: انتشارات مازیار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ج دوم، چ هشتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سررشته، حسینقلی (۱۳۶۷)، خاطرات من (یادداشت های دوره ۱۳۳۴-۱۳۱۰)، تهران: نویسنده.
- سعیدی سیرجانی (۱۳۶۲)، وقایع اتفاقیه (گزارش های های خفیه نویسان انگلیسی...)، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- سیاح، محمدعلی (۲۵۳۶)، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.
- شفیق تهرانی، اکبر (۱۳۸۹)، طهران قدیم تا طهران جدید، چاپ اول، تهران: نشر به آوران.
- شهری (شعرباف)، جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم زندگی و کسب و کار، جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ، (۱۳۷۱)، طهران قدیم، ج ۳، چ اول، تهران: انتشارات معین.
- شیخ رضایی، انسیه و آذری، شهلا (۱۳۷۷)، گزارش های نظمی از محلات تهران، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۳-۱۲۱۵)، ترجمه یعقوب آژند، چ اول، تهران: نشر گسترده.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۸)، آسیب شناسی اجتماعی: کودکان خیابانی، دختران فراری، زنان روسپی، چ اول، تهران: ناشر علم.
- فردوست، حسین (۱۳۸۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ویراسته عبدالله شهبازی، تهران: اطلاعات.
- فرمانفرمایان، ستاره (۱۳۴۹)، در پیرامون روسپیگری در شهر تهران، چ دوم، تهران: چاپخانه آذر.
- فلور، ویلم (۲۰۱۰)، تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه محسن مینو خرد، چ اول، استکهلم: انتشارات فردوس.
- ، (۱۳۸۷)، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی پور، چ اول، بوشهر: ناشر دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر.
- فوران، جان (۱۳۹۰)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس

- از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، چ پانزدهم، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی رسا.
- قراپیان، مهدی (۱۳۸۹)، «تاریخچه اخلاق جنسی ایرانیان در دوران قاجار»، دانشکده علوم انسانی و پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- گیدنز، آنتونی، کارن، برد (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لعل شاطری، مصطفی و وکیلی، هادی (۱۳۹۵)، «نقش روسپیان شهر نو در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، گنجینه اسناد، ش ۱۰۱، صص ۸۱-۶۰.
- مارش، دیوید، استوکر، جری (۱۳۸۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، مترجم امیر محمد حاجی یوسفی، چ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماری لادیه-فولادی (۲۰۰۳)، جمعیت و سیاست در ایران از سلطنت مشروطه تا جمهوری اسلامی، ویراستار تقی تام، دفتر شماره ۱۵۰، مؤسسه ملی مطالعات جمعیت‌شناسی فرانسه.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی روسپی‌گری، چ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، برگرفته از سایت طاقچه.
- مستوفی آشتیانی، میرزا یوسف‌خان (۱۳۱۸ق)، تربیت نسوان، تبریز: مطبعه معارف تبریز.
- ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۴)، «زنان و مؤسسات خیریه رفاهی - بهداشتی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی دوم»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۲۱، صص ۲۵۶-۲۳۳.
- موریس، جک (۱۳۸۱)، «روسپی‌گری قوانین و واقعیت‌ها»، ترجمه حمزه مزینانی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۲، ش ۵، صص ۲۵۳-۲۶۲.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۸)، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، تهران: رسا.
- نظری، منوچهر (۱۳۹۵)، زنان در عرصه قانون‌گذاری ایران (۱۳۹۵-۱۳۸۵ ش)، چ اول، تهران: انتشارات کویر
- وندیداد (۱۳۹۲)، پورداوود، ابراهیم، نشر الکترونیک علیرضا کیانی و احسان. م.
- ویلز، جیمز (۱۳۶۸)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، چاپ اقبال هاشمی فرد، فاطمه سادات و حسنی، علیرضا (۱۳۹۹)، روسپیگری در سیاست کیفری ایران، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره چهارم، شماره چهاردهم، صص ۶۰۵-۵۷۷.
- هاکس، مریت (۱۳۶۸)، ایران: افسانه و واقعیت، ترجمه محمد حسین نظری نژاد و دیگران، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

#### اسناد و روزنامه‌ها

- اسناد سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران (ساکما)
- ساکما، سند شماره ۲۹۰/۱۰۷۲

۱۲۰ | مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۶۱ |

ساکما، شماره سند ۹۴/۲۹۳/۱۱۰۷

ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۸۶۰۳

ساکما، شماره سند ۳۱۰/۱۸۶۵۷

ساکما، شماره سند ۲۹۵۵۹۱۳

ساکما، شماره سند ۳۱۰/۳۱۷۳۳

ساکما، شماره سند ۲۹۳/۳۹۷۷۹

ساکما، شماره سند ۳۱۰/۶۱۱۵

ساکما، شماره سند ۳۱۰/۶۱۱۵۹

ساکما، شماره سند ۳۲۰/۶۷۰

ساکما، شناسه سند ۳۶۰/۲۱۳۱

ساکما، شناسه سند ۳۶۰/۲۱۳۲

ساکما، شناسه سند ۲۴۴/۲۹۵

ساکما، شناسه سند ۲۹۵/۲۷۱

ساکما، شناسه سند ۲۹۵/ ۲۷۷

ساکما، شناسه سند ۲۹۵/۲۷۸

ساکما، شناسه سند ۳۶۰۵۸۹۹

ساکما، شناسه سند ۳۱۰/۵۵۲۸۳

اطلاعات ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۹۶

اطلاعات، ۱۳۲۱، شماره ۵۰۶۰

اطلاعات، ۱۳۴۲، شماره ۱۱۲۲۶. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آینده ایران، ۱۳۱۲، سال سوم، شماره ۳۱.

آینده ایران، ۱۳۱۲، سال سوم، شماره ۳۲.

آیندگان، ۱۳۴۸، سال سوم، شماره ۶۲۶.

آیندگان، ۱۳۴۹، سال سوم، شماره ۷۲۸.

آیندگان، ۲۵۳۵، سال دهم، شماره ۲۷۶۲.

آیندگان، ۲۵۳۵، سال دهم، شماره ۲۷۷۱.

آیندگان، ۲۵۳۵، سال نهم، شماره ۲۵۶۱.

آیندگان، ۲۵۳۵، سال نهم، شماره ۲۵۷۳.

آیندگان ۱۳۵۰، سال چهارم، شماره ۱۲۰۱

بلدیة طهران، ۱۳۰۹، سال نهم، شماره ۵.

پیک سعادت نسوان، ۱۳۰۶، سال اول، شماره ۲.

زبان زنان، ۱۳۲۳، شماره ۲.

عالم نسوان، ۱۳۰۱، سال سوم، شماره ۱

عالم نسوان، ۱۳۰۱، سال سوم، شماره ۳

کیهان، ۱۳۴۲، شماره ۵۹۳۷.

کیهان، ۱۳۴۲، شماره ۵۹۸۸.

کیهان، ۱۳۴۵، شماره ۶۸۶۳.

مرد امروز، ۱۳۲۴، ۱۳ مرداد.

Dezhamkhooy, Maryam, papoli-yazdi Leila (2020), "flowers in the garbage: transformation of prostitution in Iran in the late nineteen-twenty-first centuries in Iran", *international journal of historical archcieology*, 24: 728-750, <https://doi.org/1001007/s10767-020-00541-z>

Hays, Stephnie Ann (2005), *Women and Crime in Context: Examining the Linkages between Structural Conditions and Female Offending within the Context of Place*, University of Florida

Honarbin-Holliday, mehri (2009), *Bcoming visible in Iran: women in Contemporay Iranian Society*, Bloomsbury Publishing first published.

### Transliteration

- Afary, Janet, Faust, Jesilyn (2023), *Iranian Romance in the Digital Age*, translated by Irene Dara, Vol. 1, No Gam Publishing, London.
- Benjamin J.S. (1939), *Persia and the Persians*, translated by Hossein Kord Bacheh, vol. 2, Tehran, Jāvīdān.
- Borhān (1963), *Borhān-e Qāte'*, edited by Mohammad Moein, Vol. 3, Vol. 2, Tehran, Ibn Sīnā Publishing
- Deldam, Eskandar (1931), *Hājī Washington*, Tehran: Golfam
- Delreesh Bashari (1936), *Women in the Qajar Period*, Tehran, Research and Research Publication of the Islamic Propaganda Organization
- Doltalabadi (1932), *Hayāt-e Yahyā* Vol. 2, Tehran, 'Atṭā and Ferdowsī
- Dovoumīn Sāl-nāme-ye Aḥṣā'īye Šahr-e Tehran Az 1304 tā 1308 (1310), Tehran Municipality, Statistics Education Service and Publications, Tehran Press
- Drouville Gaspard (1930), *Travel in Iran*, Manouchehr Etemadi Moghaddam, Fourth Edition, Tehran, Šabavīz Publishing.
- E'temād ul-Saltāneh, Moḥammad Hassan kān (1978), *kāterāt-e E'temād ul-Saltāneh*, with an Introduction by Iraj Afshar, Vol. 2, Tehran, Amīr Kabīr.
- Ettehadieh (Nezam-Mafi), Mansoureh (1998), *Essays on Tehran; Here is Tehran*, Collection 1344-1269 AH, Vol. 1, Tarikh Iran Publishing (Private Joint Stock Company), Tehran.
- Fardoust, Hossein (2007), *The Rise and Fall of the Pahlavi Dynasty*, Vol. 1, Edited by Abdollah Shahbazi, Tehran: Eṭṭelā'āt.
- Farjad, Mohammad Hossein (2009), *Social Pathology: Street Children, Runaway Girls, Prostitutes*, first volume, Tehran: 'Elm.
- Farmanfarmaian, Setareh (1960), *On Prostitution in Tehran*, second volume, Tehran, Azar Printing House
- Floor, Willem (2010), *A Social History of Sexual Relations in Iran*, Translated by Mohsen Minou Kherad, first volume, Stockholm, Ferdows Publications
- Floor, Willem, (2008), *Public health in Qajar Iran*, Translated by Iraj Nabipour, first volume, Bushehr, Publisher of Bushehr University of Medical Sciences and Health Services.
- Foran, John (2011), *fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*, Translated by Ahmad Tadayoun, eleventh volume, Tehran, Rasā Cultural Institute Publications
- Gharaiyan, Mehdi (2010), *History of Iranian Sexual Morality in the Qajar Era*, Winter 2010.
- Giddens, Anthony, Karen, Bird (2008), *Sociology*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran, Ney Publishing.
- Hāj Sayyāh (2536), *kāterāt-e Hāj Sayyāh*, by Hamid Sayyah, Tehran, Amīr Kabīr
- Hakim Elahi, Hedayatollah (1948), *Šahr-e-Nū; Come to the New City with Me*, Vol. 2, Vol. 1, Ch. 5, n.p, n.p
- Hashemifard, Fatemeh Sadat and Hassani, Alireza (2010), *Prostitution in Iran's Criminal Policy*, Qanun Yar International Quarterly, Volume 4, Issue 14, pp. 577-605
- Hejazi, Qodsiyeh (1978), *A study of women's crimes in Iran*, Part 2, Qodsīyeh Law Company Publications.
- Hosseini, Seyedeh Marziyeh and Fasihi, Simin (2018) " First Pahlavi Government Policies to Combat Sexually Diseases", *Medical History*, Volume 10, No. 37, pp. 8-20
- Issawi, Charles Philip (1983), *The Economic history of Iran 1800 - 1914*, Translated by Yaqoob Ajhand, first volume, Tehran, Našr-e Gostareh.
- Jami, N. (1932), *The past is the light of the future*, Tehran, Qoqnūs.
- Khakpour, Mohammad Mehdi (1978), *Women's Delinquency in Iran*, Faculty of Law, University of Tehran, Central Library, University of Tehran,
- Ladier-Fouladi, Marie (2003), *demographie societe et changements politiques en Iran*,



- edited by Taghi Tam, Office No. 150, Offices of the French National Institute for Demographic Studies, French National Institute for Demographic Studies.
- Lal Shateri, Mostafa and Vakili, Hadi (2016), the Role of Prostitutes in the Shahr-e-Nu Coup of 1933, *Ganjineh-e-ASnad*, No. 101, pp. 60-81
- Loğat-nāmeḥ-ye Dehḵodā (1969-1979), Volume 8, Letter R.
- Madani Ghahfarokhi, Saeed (2016), The Sociology of Prostitution, Part One, Tehran, Publisher of Parse Book Translation and Publishing Company, taken from the Taqcheh website.
- Malekzadeh, Elham (2015), " Women and welfare institutions – Health , The constitutional period until the end of the second Pahlavi regime," *Journal of Historical Research in Iran and Islam*, Vol. 21, pp. 233-256
- Marsh, David, Stoker, Jerry (2009), theory and methods in political science, translated by Amir Mohammad Haji Yousefi, Vol. 3, Tehran, Strategic Studies Research Institute.
- Merritt Hawkes, Onera Amelia (2019), *Persia: Romance and reality*, translated by Mohammad Hossein Nazari-nejad and others, Mashhad: Cultural Office of Āstān-e Qods Raḡavī.
- Morris, Jack (2002), translated by Hamzeh Mazinani, *Prostitution, Laws and Facts, Social Welfare Quarterly*, Vol. 2, Vol. 5.
- Mostofi Ashtiani, Mirza Yousef Khan (1938 AH), *Women's Education*, Tabriz Ma'āref Press.
- Nazari, Manouchehr (2016), *Women in the Legislative Sphere of Iran (1996-1995)*, Vol. 1, Tehran, Kavīr Publications.
- Nejati, Gholamreza (1999), *Mossadegh, Years of Struggle and Resistance*, Tehran: Rasā.
- Pollock, Jacob, Edward (1989), *Persien*, translated by Keikavous Jahandari, vol. 2, Tehran, published by kārāzmī Publishing Company, 1989.
- Pourdavoud, Ebrahim (1392), *Vandīdād*, published by Alireza Kiani and Ehsan. M, electronic publication BavarBaran.ir
- Rabizadeh, Sosan, Fariba, Zamani, Sheida Nabaei (1997), *Study of the Socio-Economic Status of Criminal and Delinquent Women in Tehran*, First Edition, Humanities and Cultural Studies Research Institute, Social Sciences Research Institute, Tehran
- Saeedi Sirjani (1983), *Vaqāye'e Etefāqīye (Reports of English Secret Writers...)*, Second Edition, Tehran, Novīn Publishing Institute.
- Sarokhani, Baqer (2009), *Research Methods in Social Sciences*, 2nd volume, 8th volume, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Sarreshte, Hosseingholi (1937), *My Memories (Notes of the Period 1931-1935)*, Tehran, Nevīsandeh.
- Shafaq Tehrani, Akbar (1989), *Old Tehran to New Tehran*, First Edition, Beh-Āvarān.
- Shahri (Sherbaf), Jafar (1989), *Social History of Tehran in the Thirteenth Century: Life and Business*, Volumes 1 and 6, Second Edition, Tehran, Rasā Cultural Services Institute.
- Shahri (Sherbaf), Jafar, (1992), *Old Tehran*, Vol. 3, First Edition, Tehran, Mo'in Publishing.
- Sheikh Rezaei, Ensiyeh and Azari, Shahla (1998), *Police Reports from Tehran Neighborhoods*, Volume 1, First Edition, Tehran, National Archives of Iran Publishing Organization.
- Ta'qīb Dovoumīn Sālnāme-ye Aḥsāeīye Baladī Saršomāriye Nofūs-e Šahr-e Tehran Dar Sanavāt-e 1262, 1270, 1301, 1311, printed in 1312.
- Tāj ul-Saltāneh (1982), *kāterāt-e Tāj ul-Saltāneh*, by the efforts of Mansoureh Ettehadieh (Nezam-Mafi), Sirous Saadvandian, vol. 7, vol. 1, Tehran, Tarīk-e Iran Publishing House, a collection of historical texts and documents.
- Wills, Charles James (2019), *In the land of the lion and sun, or Modern Persia: being*

experiences of life in Persia during a residence of fifteen years in various parts of that country from 1866 to 1881, translated by Gholamhossein Gharagozloo, published by Eqbāl.

Zand Moghaddam, Mahmoud (1957) Qal'e (Šahr-e Nū), 1st volume, Tehran, Māzīyār Publications

#### Document and Newspapers

National Library of Iran Documentation Organization (SĀKMĀ)

SĀKMĀ, Document ID 220/18603

SĀKMĀ, Document ID 290/1072

SĀKMĀ, Document ID 293/39779

SĀKMĀ, Document ID 295/244

SĀKMĀ, Document ID 295/271

SĀKMĀ, Document ID 295/277

SĀKMĀ, Document ID 295/278

SĀKMĀ, Document ID 2955913

SĀKMĀ, Document ID 310/18657

SĀKMĀ, Document ID 310/31733

SĀKMĀ, Document ID 310/55283

SĀKMĀ, Document ID 310/6115

SĀKMĀ, Document ID 310/61159

SĀKMĀ, Document ID 320/670

SĀKMĀ, Document ID 360/2131

SĀKMĀ, Document ID 360/2132

SĀKMĀ, Document ID 3605899

SĀKMĀ, Document ID 94/293/1107

‘Ālam-e Nesvān, No. 1, 1301

‘Ālam-e Nesvān, No. 3, 1301

Āyandegān, No. 1201, 1350

Āyandegān, No. 2561, 2535

Āyandegān, No. 2573, 2535

Āyandegān, No. 2762, 2535

Āyandegān, No. 2771, 2535

Āyandegān, No. 626, 1348

Āyandegān, No. 728, 1349

Āyandeh-e Iran, No. 31, 1312

Āyandeh-e Iran, No. 32, 1312

Baladīy-ye Tehran, No. 5, 1309

Eṭṭelā‘āt Newspaper, No. 11196, 1342

Eṭṭelā‘āt Newspaper, No. 11226, 1342

Eṭṭelā‘āt Newspaper, No. 5060, 1321

Keīyhān, No. 5937, 1342

Keīyhān, No. 5988, 1342

Keīyhān, No. 6863, 1345

Mard-e Emrūz. Aug 4, 1324

Peīk-e Sa‘ādat Nesvān, No. 2, 1306

Zabān-e Zanān, No. 2, 1323

## Prostitution of Women in Tehran from the Qajar Era (Naseri Period) to the End of the Pahlavi Era

### Extended Abstract

Prostitution is a longstanding social phenomenon deeply intertwined with the history of patriarchy. Across most societies, this practice has been traditionally condemned as a sin, a forbidden act, and a crime. Only in recent history has prostitution been reclassified as a social issue—a detrimental condition requiring targeted monitoring and support for affected individuals. The phenomenon of prostitution has also manifested throughout Iranian history, leaving its mark in various forms across different eras. During the Pahlavi period, particularly under Mohammad Reza Shah, prostitution emerged as a prominent social concern. This study investigates the prostitution of women in Tehran, addressing two core questions: (1) What was the societal status of female prostitutes from the Qajar period to the end of the Pahlavi era? (2) How did the government respond to this issue during these periods?

Employing a comparative-explanatory methodology, this research systematically collects, organizes, describes, and interprets data to analyze the social positioning of female prostitutes. Historical sources, including documents, annals, newspapers, and seminal texts, such as Farmanfarmaian's exploration of prostitution in Tehran, Hejazi's investigation of women's crimes in Iran, and Mohammad Mehdi Khakpour's criminological analysis of women's offenses, are extensively consulted. Key elements examined include age demographics, social origins, prostitution hotspots, quantitative prevalence, qualitative diversity, root causes, and governmental strategies spanning the Qajar and Pahlavi eras.

The primary aim of this study is to deepen historical understanding of women's prostitution, uncovering both its quantitative and qualitative transformations as well as the government's approach to addressing this social harm. By elucidating its causes and evolution, this research seeks to enhance historical knowledge and provide practical insights for comprehending contemporary social challenges.

While prior studies have explored prostitution within Iranian history, most have focused narrowly on recent periods or singular eras. For instance, Willem Flore's social history of sexual relations in Iran offers a general perspective with useful information on prostitution. Similarly, Saeed Madani Ghahfarkhi's *Sociology of Prostitution, Study of Social Damages* examines characteristics, causes, and legal frameworks surrounding prostitution, presenting a sociological-historical approach rooted in statistics, theories, and power dynamics. In contrast, this study introduces a holistic comparative analysis spanning multiple historical periods, emphasizing the nuanced interplay of patriarchy, modernization, and governance.

Findings indicate that the Qajar era presented harsher conditions for women

involved in prostitution due to entrenched patriarchal norms and increased deprivation within both private and public spheres. While the Pahlavi period continued to witness the prevalence of prostitution as a significant social harm, advancements in cultural attitudes and preventive measures led to a relative decline compared to the Qajar era. Voluntary and consensual marriage practices may also have contributed to this reduction. Furthermore, prostitution during the Pahlavi era exhibited structural, public, and official dimensions, reflecting societal shifts accompanying modernization.

Given its antiquity and societal prevalence, prostitution remains an open field for future research. Notably, the victimization of women necessitates further inquiry into their specific vulnerabilities, potential resolutions, and reflections found in memoirs, literature, and media. Comparative studies exploring prostitution within Iran and broader Middle Eastern contexts would also offer valuable perspectives for understanding this multifaceted social phenomenon.

**Keywords:** Women, social harms, prostitute, Nasserite era, Pahlavi era, Tehran.

